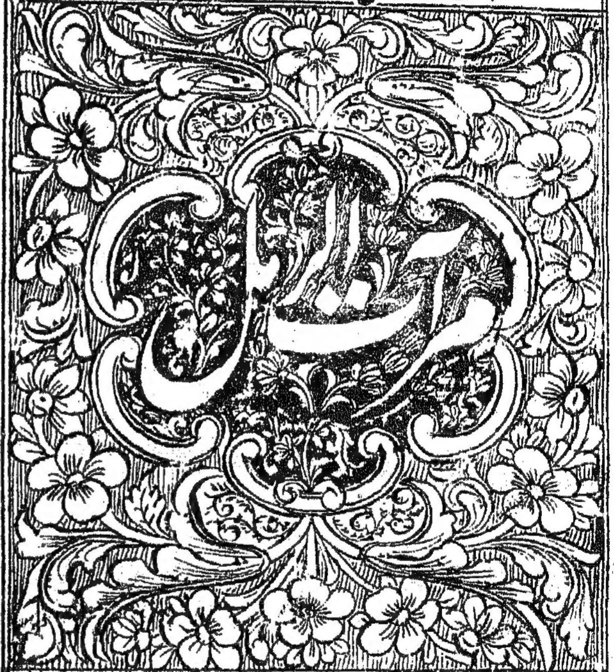
بعون صانع مکین و مکان و بفضل خلاق زمین و زمان

خوشا رسالہ جامع قواعد علمی و عملی فن رمل مشتمل بر تشریحات و توضیحات مسمی بہ



مصنفہ صاحب دستگاہ فن رمل مبین احکام شانزدہ اشکال نور محمد صاحب مالی

در مطبع نامی منشی نولکشور بطبع مزین و مقبول جہان شد

کہ باد محبت دارد و کیفیت جماع و مرتبهٔ جماع و حالت منی و تندی و تیزی و کیفیت موی
زہار زن زناکار و حقیقت میل طبع و ارادهٔ سائل و دل بستگی دارد یا نه اگر سائل زن
دارد حامله هست یا نه و در خانه طیور و حیوان دارد یا نه و مراد هر گونه که دارد حاصل شود
یا نه قاعده اگر رمال خواهد که بداند که امروز بر من چه خواهد گذشت برین نیت روز
اول رمل بزند اگر در اول شکل سعد باشد و خانهٔ نظرات هم سعد باشند یعنی خانهٔ
۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ تمام روز بخوشی و خرمی و سعادت بگذرد
و اگر شکل یکبار تکرار کند آنچه که اول مذکور شد و شاهد و نواظر یعنی شاهد هر دو
و نواظر هر دو اگر نیک بوند و سعد هم آن روز بخوشی بگذرد و اگر شکل نحس داخل باشد
و شاهد و ناظر هم نحس باشند آن روز بناخوشی و ملالت طبع بگذرد و از ضرب اول
و هفتم گوید اگر نتیجه سعد باشد و در خانهٔ نیک تکرار کند البته آن روز خوب باشد و اگر
در اول و هفتم شکل نحس باشد آن روز حکم درست نشود و اگر در خانهٔ دوم
شکل داخل باشد و در خانه ۵ و ۹ و ۱ و ا تکرار کند البته فتوح بدهد و اگر در خانهٔ
۵ و ۴ و ۱۶ شکل داخل سعد باشد فتوح آن روز بسیار بسیار رسد و اگر در ۲ ⁙ باشد
و گواه ۳ و ۷ داخل البته زر سرخ بدست آید یا در کیسه دارد و اگر ⁙ در خانهٔ
۲ و ۴ و یا ۵ باشد البته فتوح برسد و اگر شاهد داخل ۲ و ۳ و ۵ و ۷ باشند حکم
بر سعادت دارد و از خارج بالعکس

قاعده در رسیدن از فتوحات غیبی از زر و طعام

اگر در خانهٔ پنجم و سوم شکل داخل باشند البته آن روز چیزی طعام خواهد رسید
چنانچه در خانهای مذکور این شکل باشند ⁙ ⁙ ⁙ ⁙ ⁙ والا از ضرب
اول و دوم گوید اگر این شکل مذکور بوند البته فتوح رسد و اگر ⁙ در ۴ و ۱ باشد البته
چیزی خوشبو یا از طعام رسیده شود و اگر در ۴ و ۱ ⁙ باشد و در خانهٔ ۴ و

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ثنا وصفت ایزدی را سزاست که افراد بنی نوع انسان را از زوج آفریده و نقاط
کواکب را بر اوراق سپهر نقش بسته و صفحهٔ ارض را از مرکز وجود آدم مزین ساخته
جل جلاله و عم نواله و نعت آن آفتاب آسمان رسالت را زیباست که از
نور هدایت گم گشتگان ظلمت جهالت را رهبری فرموده و دامن دامن سعادت
بر حال نحوست اشتمال گمراهان بخشیده صلی اللہ علیه و علی آله الطاهرین و
اصحابه المرضیین - اما بعد این چند اوراق که احقر العباد نور محمد رمال مشتمل بر سه باب
که از فوائد عجیبه علم رمل هر یک مملو است باب اول دانستن حال روزمرهٔ
خود و حال روزمرهٔ سائل باب دوم در صورت و سیرت اشکال
باب سوم در قواعد متفرقات که هر یک از آن آزموده و مجرب است جمع ساخته
نامش مرآت الرمل نهاده باب اول در دریافت احوال روزمرهٔ سائل اینکه
ملک دارد و مقام دارد یا نه و پدر و مادر و همشیره دارد یا نه و برادر و فرزند هم هست یا نه
و محبت با کسی دارد یا نه اگر دارد چه قدر دارد و در کیسه چیزی هست یا نه و چند کسان عزیز اند

معلوم کند اگر شکل ۷ دهم بطرف امهات آید کسی شخصے نیک آید در روز خواهد آمد
و اگر شکل ۱۲ دهم یا بطرف امهات باشد مهمان خواهد آمد و آمدن مهمان بروز اینسکه
اگر شکل ۶ دهم بود بیاید و اگر کسے پرسد که دران روز رود یا نه از ضرب شکل ۷ و ۶
گوید اگر شکل آتشی یا آبی یا خاکی پیدا شود بماند و اگر بادی بود برود و عدد مردمان
از تکرار شکل ۷ گوید یعنے اگر یکجا تکرار کند یک مهمان باشد و بچند جا چند بوند

قاعده در معلوم کردن احوال نیک و بد مردم حاضر و غائب

اگر رمال خواهد که بداند که بطون مرد فلان چونست پس از خانهٔ هفتم بدین طریق گیرید
که اگر در خانهٔ مذکور این شکل باشد همچون مرد بد باشد
و اگر این بوند میانه باشد نه نیک نه بد و اگر این بوند
مرد بسیار نیک و دیندار و نمازگزار و درست اعتقاد باشد

قاعده در دانستن احوال غائب

اگر در خانهٔ ۷ شکل خارج باشد و در دوم این شکلها باشند
اگر شکل هفتم یا صاحب هفتم در دوم و چهارم بود البته غائب برسد
دیگر شکل دوم را با صاحب دوم ضرب کنی و اگر آنجا صاحب خانهٔ هفتم یا نهم برآمد
دلیل رسیدن غائب باشد و اگر شکل سوم نحس باشد دلیل دیدن غائب است

قاعده در باب آب نوشیدن و دینداری

اگر سوال از آب نوشیدن و طهارت و پاکی دین و اعتقاد باشد از خانهٔ ۹ گوید
اگر یکے ازین اشکال باشد دلیل دین و اعتقاد باشد و
اگر این بوند دلیل بکفر و بد اعتقادے بود
و از باقی اشکال اثبات یا همه میانه بود در دین

قاعده دریافت کردن آنکه شخصے در دل چه اراده دارد

۵ و ۱۵ داخل سعد باشد فتوح رسد شکل [symbol] [symbol] [symbol] [symbol] [symbol] و از نحس بالعکس

قاعده در باب دریافت نمودن که طعام از شادی آید یا از ماتم

اگر اول طریق یا بیاض باشد و تکرار در خانهٔ نیک کند از شادی طعام آید و از نحس از ماتم رسد و خانهٔ پنجم شاهد خانهٔ اول است و شاهد هر خانهٔ ۲ و ۳ و ۵ و ۷ است و اگر در میزان [symbol] از دو [symbol] آید آن روز کشایش از سفله و خسیس باشد و اگر در اول [symbol] یا [symbol] بود برگرفتگی طبع و پریشانی خاطر بود و اگر در دوم [symbol] باشد و تکرار در ۵ اکند وال بر رسیدن چیزے پخته بود و اگر در خانهٔ اول و ۳ و ۴ و ۹ شکل خارج یا منقلب بود رمال و سائل را آن روز حرکت از جائے خود واقع شود و لی قصد رود

قاعده دریافت کردن اینکه فلان کس در خانه هست یا نه

اگر رمال خواهد از کسی به بیند که فلان کس در خانه هست یا نه اگر در امهات [symbol] یا [symbol] یا [symbol] بود البته آنکس در خانه باشد و یا در خانهٔ ۴ و ۷ داخل یا ثابت شود آنکس در خانه باشد و اگر [symbol] یا [symbol] ناظر بود ملاقات شود و اگر شکل ۳ در ۷ یا در ۱۳ یا ۹ تکرار کند دال بر حرکت و نقل رمال یا سائل بود یا [symbol] در خانهٔ آتش یا باد باشد و در خانهٔ خارج باشد نیز دال بر حرکت ست و شاهد هر خانهٔ ۳ و ۵ است اگر [symbol] موجود در خانهٔ ۷ یا ۱۴ یا ۱۵ باشد دال بر حرکت است

قاعده اگر خواهد بداند که فلان جا میروم مراد حاصل شود یا نه

بدانکه اگر شکل ۷ خط دارد مراد حاصل شود و اگر داند که چند کس در خانه آیند از ۹ گوید اگر در خانهٔ ۹ داخل باشد البته خواهند آمد و آمدن مردم نیز از اشکال نهم گوید و اگر در نهم داخل باشد کسے خواهد آمد و اعتقاد و دین و وعدهٔ ایشان و طاعت و احوال ریاضت و عبادت ایشان از خانهٔ ۷ معلوم کند و احوال خود از هفتم و چهارم

[illegible]	۱۳	۱۳	۱۳	۵	۱۱	۱۰	۳	۷	۸
[illegible]	۱۴	۱۴	۶	۶	۹	۷	۴	۴	۳
[illegible]	۶	۱۵	۱۱	۱۱	۴	۱۵	۵	۳	۴
[illegible]	۱۵	۱۶	۵	۱۲	۱	۱۶	۶	۴	۱۵

دوبال شکل از خانهٔ خود در خانهٔ هفتم است یعنی اگر شکل از هر دائره که باشد شمار کند
تا خانهٔ هفتم چنانچه این فقیر در مرآت الرمل ذکر کرده از دائرهٔ سکن و بروج و مزاج
وحروف ابجد وغیره والله اعلم بالصواب دیگر سوال اعانت

قاعده برای اعانت و مددگار بود یا نه

اگر رمال خواهد یا کسے دیگر سوال کند که فلان یار یا آشنا یاری و مددگاری کند یا نه
این حکم از ضرب دوم و ششم و پانزدهم و یازدهم کند اگر نتیجه سعد برآید دال است
که اعانت کند و اگر خارج باشد نکند و سعد خارج نتیجه نیز همچنین حکم دارد و
نحس و ثابت و منقلب همین دلیل ست امّا از ثابت سعد امید اعانت است و اگر
در دوم شکل داخل سعد باشد البته یاری خواهد کرد و از دیگر اشکال نکند

قاعده برای دریافت حصول مراد که شود یا نه

اگر رمال خواهد که بداند که امروز من فلان جا میروم مراد حاصل شود و این حرکت
مراد واقع شود یا نه پس اگر در خانه ۱ شکل خارج یا منقلب باشد و در چهارم
همچنین بود حرکت کردن نیک بود و شکلے که در خانهٔ ۵ باشد اگر در آنجا خطا باقی
دارد مراد حاصل گردد و اگر در اول و ۳ و ۹ و ۵ شکل خارج یا منقلب باشد
سائل را حرکت واقع شود و اگر داخل یا ثابت باشد حکم بر سکون
کند و اگر در خانه اول شکل نحس باشد و تکرار در خانه ۶ یا ۸ یا ۱۲ کند
حکم بر رسیدن رنج و بیماری کند و اگر در خانه اول [illegible] یا [illegible]

اگر خواہد کہ پیش کسے برود ارادۂ او معلوم کند وارادہ آنکس کہ پیش رمال خواہد آمد
از خانۂ ہشتم معلوم کند کہ چہ ارادہ کردہ مے آید واز منسوبات شکل خانۂ ہشتم گوید دیگر
اینکہ آن روز را سہ قسمت کند وقت اول از ضرب اول وہفتم گوید دوم از
از ضرب دہم وچہاردہم گوید وقسم سوم از ضرب چہارم وشانزدہم گوید ہر نتیجہ
کہ در روی رمل حاضر باشد در خانہ خط وقت حکم آن کند پس تثلیث شکل
وباقی دائرہ قوت اشکال وہبوط وطرح واوج ووبال وغیرہ اینست

اشکال	قوت [illegible]	قوت [illegible]	قوت [illegible]	قوت [illegible]	ہبوط	شرف	وبال	طرح	اوج
	۱	۱	۳	۲	۱۷	۴	۷	۹	۱۱
	۱۰	۲	۱۵	۱۵	۷	۱۴	۸	۲	۹
	۵	۳	۶	۱۴	۳	۱۳	۹	۱۱	۱۳
	۱۶	۴	۱۶	۱۶	۱۲	۹	۱۰	۵	۸
	۱۱	۵	۱	۱	۹	۱۴	۱۱	۷	۱۱
	۶	۶	۱۰	۱۰	۱۶	۲	۱۲	۱۶	۱۱۰
	۸	۷	۸	۸	۱۳	۳	۱۳	۱۴	۱۰
	۲	۸	۷	۷	۱۶	۴	۱۴	۱۴	۱
	۴	۹	۴	۴	۱۰	۶	۱۵	۴	۲
	۳	۱	۹	۹	۱۵	۵	۱۶	۱	۳
	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲	۲	۸	۱	۶	۴
	۷	۱۲	۱۳	۶	۱۲	۱۰	۲	۸	۵

اگر سوال از دوست قدیم باشد که با من دوستی کند یا نه اگر در ۱۱ داخل باشد
دوستی است و اگر نحس است دلیل بر غصه و غم خوردن سائل هست و مقصد سائل اگر
گوید و از پنجم سعد داخل بود دلیل مردمان تماشا و لهو دیدن و لباس پوشیدن
و شوق کردن و عطر مالیدن و سیر کردن و میل بر نکاح دارد و اگر سوال کند که محبوب من
چونست پس این را از تکرار یازدهم گوید اگر رمال بداند که دوستی من زیاده است یا دوستی
را شکل اول و ۱۱ ضرب کند اگر نتیجه سعد بود دوستی سائل زیاده است و یا نا اول را در
۵ ضرب کند اگر نتیجه سعد بود دوستی محبوب زیاده بود و با نا از تکرار نتیجه گوید هر نتیجه که در خانه
۳ و ۸ و ۹ و ۱۱ تکرار کند دوستی او زیاده شود و اگر نتیجه مذکور در خانه ۷ و دهم و ۱
تکرار کند نه دوست هر دو بوند نه دشمن و اگر در خانه ۶ و ۸ و ۱۲ تکرار کند دشمنی
او زیاده بود و تکرار در خانه های تثلیث دلیل دوستی بسیار است و تکرار
خانه های تسدیس دوستی بدرجه اوسط و تربیع و مقابله دشمنی باشد

قاعده بدریافت شخصی که چه قوم دارد و چه میکند

اگر کسی سوال کند که فلان شخص چه طور و چه قسم مرد است از خانه دهم گوید یا از عقله
ب گوید که صاحب عدد دهم است اگر ب در اول آید یا در ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۱ و ۱۰
باشد مرد بزرگ بود و اگر در ۶ باشد مرد فروش باشد و در ۷ دزد و در
۸ مرده شود و در ۹ مسافر و در ۱۲ حیوان فروش و اگر ب در رمل نباشد از شکل
دهم گوید بطریق مذکور یعنی انچه که تکرار ب در خانها ذکر کرده شده است

قاعده بدریافت حال عرضی دادن پادشاه

اگر رمال بداند یا کسی سوال کند که عرضی به پادشاه یا به بزرگی دهم یا نه اگر در دهم شکل
خارج سعد باشد عریضه دادن نبود و اگر شکل سعد باشد عریضه داده شود
و خوانده گردد و اگر در دهم شکل داخل باشد حکم دیدن عرضی کند و اگر بداند که جواب خط

باشد و در خانهٔ ۳ یا ۴ یا ۵ یا ۹ یا ۱۰ انکار کند حکم بر رسیدن غصه و زخم کند
واللہ اعلم بالصواب

قاعده بدریافت ظاهر و باطن

اگر رمال خواهد یا کسے سوال کند که فلان کس را ظاهر و باطن با من چون ست اول
نظر کند که سوال بکدام خانه منسوب است چنانچه دوم بنابر مال و سوم به خواهر
چهارم به ملک علی هذا القیاس تا ۱۲ خانه پس نظر کند در شکل که نسبت دارد اگر نقطهٔ
آب یا آتش دارد ظاهر دوست و باطن خلاف و اگر نقطه باد باشد بباطن آن
دوستی نهایت دارد و ظاهر دشمنی بنماید اگر نقطهٔ آب و خاک است در باطن آن
دشمن است و بظاهر دوستی را اظهار میکند بر قول او اعتماد نشاید واللہ اعلم

قاعده درباب وفا کردن عهد

اگر رمال خواهد یا کسے سوال کند که شخصے بمن وعده کرده است وفا کند یا نه پس نظر
کند در خانهٔ اول اگر این شکل بود وفا کند
و اگر این بوند خلاف کند و اگر این بود بکسے دیگر حواله کند
باقی اشکال را از منسوبات آن حکم کند واللہ اعلم بالصواب

قاعده درباب دوستی راست و دروغ

اگر رمال خواهد یا کسی سوال کند که شخصے دعوے دوستی کند راست ست یا دروغ
از ضرب اول و ا گوید اگر نتیجه سعد بود راست است و اگر نحس ست دروغ گو است
و نظر کند در خانهٔ اول و ۳ و ۹ اگر شکل داخل یا ثابت باشد راست دعوی میکند
اما وصال دوست گردد و اگر در ا یکے از آن تکرار کند و میزان داخل باشد
البته وصال گردد و تکرار ۹ دهم شکل چنین حکم دارد واللہ اعلم بالصواب

قاعده بدریافت دوستی قدیم دوست

البتہ امید بر آید خواہ داخل سعد بود خواہ داخل نحس دیگر آنکہ شکل منسوب به امید ست اگر در رمل ست و در خانہ قوی است و در خانہ ۱۱ داخل باشد البتہ امید بر آید و مراد حاصل شود و اگر در خانہ ضعیف باشد امید بدشواری بر آید و اگر در رمل نباشد شکل دوم را با یازدہم ضرب کند و حکم از داخل و خارج کند و در ہر خانہ کہ باشد از نسبت منسوبات آنخانہ حکم کند کہ مراد حاصل شود یا نشود دیگر احکام کلی آنکہ شکل مقصود سائل را با اول ضرب کند اگر نتیجہ با طالع بہ نظر دوستی بیند مقصود حاصل شود و خانہای دوستی این ست ۵ و ۹ و ۱۳ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۰ و بعضے خانہای تثلیث را دوست پندارند یعنی ۵ و ۹ و ۳ واللہ اعلم

قاعدہ برای حصول منصب یا جاگیر و نوکری

اگر سوال از منصب و جاگیر و خدمت یا نوکری باشد شکل دہم را کہ شغل و ب است با شکل کہ در خانہ دہم است ضرب کنند اگر نتیجہ سعد باشد پس حکم بہ حاصل شدن سوال مذکور کنند و اگر در خانہ ساقط تکرار کند و نتیجہ بد باشد بر نا شدن حکم کنند و بہ تتبع سوال حکم بر این بنا کنند یعنے سوال از ہر خانہ کہ باشد شکل نظر خانہ را موافق خانہ سوال بیند اگر یا شد مقصود حاصل شود و ناظر خانہ ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۰ است و اگر اینجا نہ با تخلف باشد از نتیجہ حکم کند و اگر ناظر سعد باشند بہمہ وجوہ سعادت بخشند یعنے با مردم مرادات و ملاقات حسب سعادت ناظران باشد و اگر نحس باشند تمام نحوست دہند و با مردم ملاقات نشود واللہ اعلم

قاعدہ دریافت اینکہ چیزی بدست آید یا نہ

اگر رمال بداند یا کسے سوال کند کہ بطمع چیزے بجای خواہم کہ میروم چیزی بدست آید یا نہ اگر در رمل در خانہ ۲ سعد خارج باشد و یا در دوم داخل باشد و در خانہ ہشتم سعد خارج باشد چیزی بدست خواہد آید و نیز تکرار اگر در خانہ قوی کند تاہم

و هم اگر در خانهٔ ۲ و ۱۱ و ۱۵ خارج سعد باشد جواب نیک دهد و نحس بود بد دهد اگر کسی سوال کند که بپادشاه یا بزرگی سخن بگویم قبول کند یا نه پس ثالث هم اگر این شکل بود سخن را قبول کند [illegible] و اگر [illegible] بود عرضداشت قبول نکند و اگر [illegible] بود پیش از سخن گفتن گفتگوی واقع شود و اگر [illegible] بود سخن نباید گفت و اگر [illegible] بوند دال بر حصول نصف مراد بود از دادن عرضی و خط

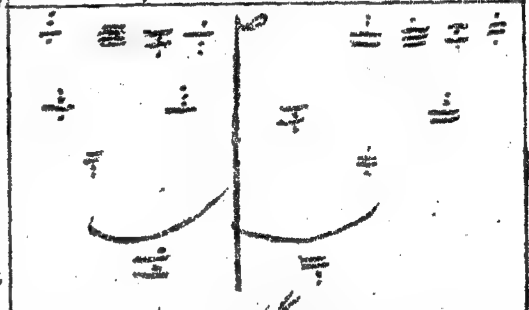
قاعده بدریافت آنکه امید از که دارد

اگر سائل معلوم کند که امید از که دارد پس اگر امید رفیق و آشنا و یار دارد اول یا دوم ضرب کند و نتیجه را با یازدهم پس از منسوبات حکم کند و اگر امید از برادر و همسایه باشد اول در سوم ضرب کند و نتیجه در یازدهم ضرب کند و از منسوبات حکم نماید و اگر امید از پدر یا زراعت باشد اول در چهارم ضرب کند و نتیجه در یازدهم ضرب کند و اگر امید از خط و خبر و معشوق و فرزند بود اول را در پنجم ضرب کند و نتیجه را در یازدهم ضرب کند و از منسوبات حکم کند و علی هذا القیاس از هر خانه بداخل و خارج حکم کند اگر نتیجه داخل یا ثابت در رمل موجود باشد و در خانه خوب تکرار کند البته امید بر آید و اگر اول را با سوم ضرب کند نتیجه را ببیند اگر [illegible] باشد بر آید امید از برادران و خواهران دارد و همین طور آنچه که نتیجه بر آید و هر خانه که سکن دارد از منسوبات آنخانه حکم دارد و اگر نتیجه از ضرب یازدهم آنچه که بالا مذکور شد در رمل حاضر نباشد بعد از دیر امید بر آید و از خارج نه بر آید و سخن گفتن با کسی از او گوید و اگر سائل بداند یا کسی سوال کند که امید یکه دارم بر آید یا نه این را از خانه یازدهم گوید اگر شکل سعد داخل بود امید بر آید و اگر نحس خارج بود از این امید پرهیز کند که نقصان خواهد شد و اگر ثابت بود حصول مهمات بدیر بود و از دو شکل گوید اگر آنجا شکل سعد باشد و خارج بود دیر حاصل شود و اگر در خانهٔ ۱ داخل سعد یا

ضرب نتیجه هر دو گویند و پیدا اند که این هر سه نتیجه در کدام خانه است نفع و ضرر از منسوب او گوید و از سعد و نحس و قوی و ضعیف حکم کند چنانچه در دائره نوشته شده اگر نتیجه سعد در خانه قوی باشد حکم بر نیک حال سائل کند که در باطن خوب است واللہ اعلم

قاعده دریافت کل احوال سائل

اگر سائل سوال از کل احوال کند بدین طریق حکم کند مثلاً رملی زدیم این است پس در اول عقله بود گفتم بسیار ملول و تشویش خاطر داری لیکن بعد از ۱۴ روز زائل شود آن تردد که داری چرا که عقله از دائره ابجد ۲۲ عدد دارد و در ضمن زوج و فرد بر این قیاس همه را



باید دانست فاما در دوم [illegible] بود گفتم که بعد از ۲ روز کیسه تو نیک خواهد شد و در سوم [illegible] بود گفتم بعد از ۲۹ روز خبر از برادران رسد و در چهارم [illegible] بود گفتم که بعد از ۱۹ روز: اگر تکرار در ۴ کند ۱۹ ماه حکم کند و اینجا در چهارم پس بعد از ۱۹ روز از پدر و ملک نفع رسد و در پنجم [illegible] بود بعد از ۱۹ روز نحوست از طالع فرزند و معشوق دور شود و در ششم [illegible] بود گفتم بعد از ۲ روز در از کنیز و چارپایه خری فائده یابی و در هفتم جماعت بود گفتم بعد از ۱۴ روز احوال شریک و غائب نیک شود و در هشتم [illegible] بود گفتم بعد از ۱۹ روز نحوست از طالع زن دیگر برود و خوف برطرف شود و در نهم [illegible] بود گفتم بعد از ۲۷ روز حرکت و سفر شود و در دهم [illegible] بود گفتم بعد از ۲۳ روز از مادر و حاکم فائده یابی و در یازدهم [illegible] بود گفتم بعد از ۲۳ روز امیدی حاصل شود و در دوازدهم [illegible] بود گفتم بعد از ۱۹ روز کسی دشمنی خواهد کرد و بدانکه حکم نقطه آتش یک روز و باد یک هفته و آب یک ماه و خاک یک سال چنانچه حکم یک روز و یک هفته و سال دارد بدین قیاس نگاه کرده عمل کند و مدت گوید دیگر در رمل هر شکل که در اول بود بگوید

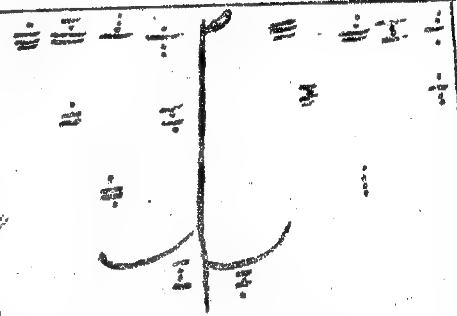
خواص اشکال آنچه که در طالع دارند

بدست آید و از دیگر اشکال هم نگاه کرده بینید

قاعده بدریافت احوال طالع سائل

کیفیت معلوم کردن احوال سائل و طالع سائل بدین طریق ست از نحوست و سعادت کامله اگر ازین اشکال آید در طالع [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] دال بر قوت نفس و طالع و صحت بدن و اعتدال مزاج و نکوئی حال سائل باشد و دیگر حکم از تکرار شکل اول گوید چنانچه اگر در اول و ۲ تکرار کند مال و معاش زیاده شود و اگر در ۳ تکرار کند احوال خواهران و برادران نیکو باشد و اگر همین اشکال در ۴ تکرار کند ملک و پدر و مقام زراعت را فائده رسد و اگر در خانه ۵ مکرر شود از فرزند و معشوق و تحفه و هدیه خبر رسد و اگر در ۶ تکرار احوال برده و ملازم نیک باشد و اگر در ۷ تکرار کند قوت ازواج و شرکا و خصمان و وقوع گفتگوی با ایشان و شرکا و اگر در ۸ تکرار کند دال بر رسیدن اندک خوف و خطر باشد و نیز در ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ دال بر برکت و نکوئی احوال سائل و اگر یکے ازین اشکال از منحوس در اول آید [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] دال بر خلاف احوال که گفته شد اگر در ۲ تکرار کند بدی معاش و در ۳ بدی احوال خویشان و برادران و در ۴ تکرار بدی پدر و ملک وغیره و در ۵ تکرار بدی حال فرزند وغیره و از منسوبات خانه گوید و در ۶ رسیدن غم و الم بسیار و بیماری و تغیر مزاج و در ۷ دال بر جنگ با ازواج و خصمان و شرکا بود و در ۸ دال بر خوف و خطر و در ۹ بدی سفر وغیره و در ۱۰ نقصان جاه و مرتبه و عمل و شغل [شکل] و [شکل] درین خانه نیک است و در یازدهم نقصان از دوستان قدیم و در ۱۲ اگر تکرار کند از عدو و چارپایان دیدن زحمت و در خانه ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ که گواهان طالع اند اگر شکل سعد تکرار بسیار کند حکم بر نحوست دارد و اگر نحس بسیار باشد بد حال باشد و دیگر آنکه احوال ماضی سائل از ضرب اول و چهارم گوید و مستقبل از ضرب هفتم و دهم گوید و حال از

حکم بستگی طالع کند و نقطهٔ آبی مفتوح بود حکم گشادگی طالع بود و مدت بستگی طالع از تکرار شکل مذکور کند و معلوم کردن بستگی دل سائل که با کسی دارد از تکرار شکل گوید چنانچه اگر در ۵ تکرار کند بستگی دل با فرزندان یا معشوقان دارد و اگر در ۷ باشد زن دیگر به نکاح آرد و اگر در ۸ تکرار کند و نقی باشد حکم به بیمار شدن سائل کند و در ۸ دال بر رسیدن خوف از آب و آتش و در ۱۲ از دشمن و بعضی گفته اند که این حکم از نقی گوید چنانچه اگر نقی در رمل باشد سائل دل بستگی جای دیگر دارد چنانچه رمل کشیدم بدین صورت اتفاق افتاد زایچه این ست خواستم که بدانم زن کاری چه میکند و بدانم که در ماندگی از چیست پس در اول این شکل بود و در خانهٔ او شکل خانهٔ هفتم از دائره اجتماع نقی بود گفتم از برای شوهر خود دل بستگی داری و تکرار شکل در ۹ داشته گفتم شوهر تو در سفر است پس بدین طریق از هر خانه حکم نماید این مثال بس بود



قاعده دانستن فکر و اندیشه و میل طبع سائل

فکر و اندیشه سائل از تکرار شکل اول گوید اگر در خانهٔ ۸ تکرار کند دو شکل باید گفت و از سعد نیک و از نحس بد بود و اگر نقی در اول باشد سائل را باید گفت که وقت مرگ پامال داری که مال غائب باشد و معلوم کردن میل طبع از تکرار شکل اول است چنانچه در اول اگر نقی بود و تکرار در خانهٔ پنجم کند باید گفت که طبیعت سائل تماشا و سرود و عشقبازی راغب است و تکرار از جانب فرزند بود در هر خانه که تکرار کند از منسوبات آن خانه گوید چنانچه ذکر شد و اگر تکرار کند سائل گرفتگی خاطر دارد و سبب گرفتگی خاطر از شکل اول معلوم کند چنانچه از دائره سکن در اول اگر نقی باشد دال بر سردی و خشکی مزاج و بلغم علی هذا القیاس و در خانهٔ ۱۱ اگر نقی باشد دال بر تنگدستی دوستان است و امید را نیافتن و باقی احکام برین قیاس

قاعده دانستن پاکی و ناپاکی سائل و عیوب

نظر کند در خانهٔ اول نقی یا ... یا ... باشد و در زردی رمل غلبه کند حکم بر جنب سائل یا زن حائض

بدانکه احوال سائل باعتبار هر شکل که در طالع آید چنانچه اگر در اول آید دال بر قوت حصول
مال و مراد و امید چیزی که دارد و از پیش او درست و حاصل شدن امید از زمان و دوستان قدیم و
ملاقات کردن از بزرگان و اگر در اول آید دال بر نحوست طالع و زندگانی و نایافتن مراد باشد و
سختی روزگار و اکثر اوقات پژمرده خاطر بود و فکر کردن از بهر زنان و متعلقان و بیمار و بستگی کار و اگر
آید دلیل بر قوت طالع و مدد و امید یافتن از حکام و بزرگان و یا از مادر و کسب کار و ملاقات
سادات و فقهات و مدرسه کردن و سبق دادن و چالاکی مزاج و شغل کردن نیک و اتفاق سفر بود
یا در دل خیال او دارد و اگر آید دال بر نحوست طالع و شکستگی خاطر و نقل و حرکت بے
اختیار و خسارت مال از سفر و متفکر بودن بحال غائب و تشویش همسایه و حاسدان و پیوستن و اگر
اجتماع آید دال بر قوت طالع ست اما متفکر بود جهت ترقی و تنزل امور خویش که از ان کردن به
شروع در کار عمارت و تجارت و حصول مراد و تجارت موقوف و اگر در ۴ باشد و در خانه ۶ و ۸ و ۱۲ و
شکل نحس باشد چون و در طالع هم نحس باشد باید گفت که ترا کسے خواهد کشت و مکرا در ۳ و ۵ و ۹ و
دال بر رسیدن زخم باشد و در همین حکم دارد و اگر در طالع آید دال بر نحوست طالع و حرارت
مزاج و غلبه خون و خوف و خطر جنگ و ناخوشی حیات و متفکر بودن از جهت طلب چیزی عمل و شغل
و ملک و مقام و میراث و قرض و معامله و اگر آید دال بر قوت طالع و مراد یافتن از دوستان
و فرزندان و محبوبان و رسیدن خوشی و نقل و حرکت و تردد های گوناگون و اگر و بود فساد خون و
مائل به جنگ بودن و قصد گرفتن دشمن و غصه خوردن و اگر و اجتماع بود و گواهان نیک بوند
دلیل بر رسیدن خبر خوش و سند نوشتن و کار نیکے و حکومت نمودن و اگر بود دلیل از ضمان و زیر
دستان خوف و تردد خاطر گر این کار نه یابه کنم

قاعده دریافت بستگی و کشادگی طالع سائل

و معلوم نمودن بستگی و کشادگی طالع سائل نظر کند در خانه اول و ۴ و ۱۰ اگر شکل بستگی باشد و شکل
بستگی اینست که نقطه آب ندارد و چنانچه چرا که نقطه آب ایشان بسته است

قاعده دانستن قوت بدن

کیفیت معلوم کردن قوت بدن و روح و این را از ضرب اول با چنانچه در اول بود با ضرب کردیم حاصل شد دال بر قوت بدن باشد یعنے اگر نتیجه سعد داخل بود حکم بر قوت بدن کند و بعضے گفته اند از خانه ۱ گوید و اگر در خانه مذکور شکل مذکور قوی باشد حکم بر قوت کند و شکل قوی در خانه ۱ اینست و و ضعیف این اند و و دیگر میانه اگر ضعیف باشد حکم بر تباهی جسم کند و اگر در خانه آتش یا باد بود نیز حکم بر قوت بدن کند و کیفیت روح از گوید اگر در خانه ۳ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ باشد حکم بر قوت روح کند و در خانه جفت ضعیف باشد و اگر در رمل موجود نباشد از شکل ۱۶ گوید اگر شکل آتشی یا بادی باشد و در خانه آتش یا باد تکرار کند حکم بر قوت روح و بعضی گفته اند اگر در نقطه آتش سوال باید خوب است چنانکه اول شکل چند نقطه دارد آتش تعلق بروح دارد و نقطه باد تعلق بعقل و نقطه آب تعلق بنفس و نقطه خاک تعلق بجسم هر نقطه که موجود باشد و قوت آن بود بر آن حکم کند از آتش روح و از باد عقل

قاعده دانستن عمر سائل

کیفیت معلوم کردن زندگانی از ضرب اول و ۸ گوید از سعد یکے از نحس بود و از داخل و ثابت حکم بر بین حال کند و از منقلب بد حال گر سوال از اثبات عمر بود از ضرب اول و شکل خانه ۸ حکم نماید و نیز شکل سعد و نحس حکم کند و شکل تعلق بعمر دارد و اگر در رمل بخانه قوی باشد حکم بر اثبات عمر کند و اگر در رمل بخانه ۸ این اشکال باشد دال بر درازی عمر بود

و کیفیت بقای عمر از خانه ۵ گوید و حقیقت معلوم کردن از بقیه عمر امروز و هفته و ماه و سال از دائره ابجد گوید و حکم از میزان کند مثلاً در میزان از و بود پس قبض لخارج اکتش سوم آب دوم که مجموع پنج شد و در آب پنجم و خاک پنجم که مجموعه ده باشد و در آتش پنجم و خاک دوم که مجموعه هفت شد و این همه را جمع کردم مجموع بیست و دو شد بعد از آن ۱۲ ۱۲ اطرح کردیم شش ماند حکم بر شش روز باشد یا شش ماه یا شش سال از تکرار شکل مقصود و تا شکل میزان در امهات روز و بنات

و [illegible] در ۱۲ اول بر رسیدن غضب و نجاست باشد و باقی احوال پاکی و ناپاکی از خانه هشتم گوید کیفیت
معلوم کردن زن از ۶ گوید از شکل ناقص احوال خون [illegible] اگر یکے ازین اشکال
در اوّل آید البته و در اول جسم در دندان سائل یا در سر دردی داغ یا عیب داشته باشد و همچنین
اگر در دوم آید حکم بر قفا و گردن کند و در سوم بر کتفها و دست و چهارم بر سینه و دیگر عیب است و در ۵ بر پهلوی
و تهیگاه و در ۶ بر ناف و در ۷ بر شکم و در ۸ بر آلت تناسل و مقعد و ۹ بر خصیه و ران و ۱۰ بر زانها و ۱۱ بر
ساقها و ۱۲ بر قدم تا از سعد حال داغ و از نحس زخم و جراحت و بعضے گفته اند اگر در ۸ شکل ناقصه باشد
از تکرار آن حکم عوارض بدن کند چنانچه در اول سر و دوم گردن و سبب زخم از خانه ۸ گوید از منسوبات
شکل و در هر خانه که شکل ناقصه قوی باشد حکم او سبب خواهد شد از ضعیف و منسوبات اعضا با شکال حسب

هدایت الرمل اینست

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سر و رو	قفا و گردن	حلق	پشت	سینه	شکم	ناف	سرین
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پشتگاه	دل	هر دو زانو	ذکر	ساق	فرج	جمله اعضا	قدم

اگر انقاط سعد اشکال باشد بهتر و گرنه اضطراب دل از اول و هفتم گوید اگر نتیجه سعد و داخل بود و خانه
نیک باشد خوب است و از نحس رنج

قاعده دانستن ضمیر

کیفیت معلوم کردن ضمیر اینکه هر کجا که نقطه آتش باشد از انجا ضمیر بود و در میان شکل که نقطه آتش
از میزان رسیده باشد اگر آن شکل در ان خانه قوی باشد یعنے صاحب سکن یا ابدح یا عدد یا حرف
یا مزاج ضمیر همانجا باشد و اگر قوی نباشد ببیند که آن شکل چند نقطه هر خانه یک یک دهد هر جا که نقطه
آخر شود ضمیر همانجا و همان شکل باشد و الله اعلم

اول و ۳ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ خانه جفت حکم کند که مال ندارد و کمال و معاش دارد و خانه های جفت
اینست ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ و اگر در هر دو خانه باشد مال و معاش و کمال دارد دیگر حکم مال
انکار [illegible] گوید از اول اگر در خانه نیک مکرر شود مال ضائع نشود و اگر در خانه ۸ و ۶ و ۱۲ انکار کند
مال سائل تلف شود و اگر کسے سوال کند که شخصی مال دارد یا نه اگر در خانه ۲ و ۴ و ۱۲ شکل داخل بود مال
و زر دارد و اگر پرسد که توقع مال از که دارد انکار از شکل دوم گوید چنانچه اگر در ۳ باشد از خویش و اقربا دارد
دارد و در ۴ از ملک و مقام پدر و اگر انکار از شکل از سکن شکل دوم گوید [illegible] در دوم باشد و سکن او در ۱۰ بود و
در باشد دهم گوید از دوست نیا از میراث توقع دارد شکل منسوب برزق و روزی ست اگر در خانه
نیک باشد و در ۲ و ۵ شکل داخل سعد باشد حکم کند بر بسیاری روزی و اگر در رمل حاضر
نباشد و در خانه ۱ و ۵ نحس خارج باشد حکم بر تنگی روزی و دل بستگی کند و اگر در خانه اول و دوم شکل سعد
باشد و تکرار در خانه ۱ و ۱۱ و ۵ و ۹ و ۱۲ کند حکم بر رسیدن رزق و روزی کند والله اعلم

قاعده دانستن اینکه مال آینده زیاده شود

اگر بداند که مال سائل بیشتر زیاده بود یا در حال و آینده زیاده خواهد شد سابق از اول سابق یعنی از
دوم و از سیوم که قاضی طالع است گوید و آینده از دوم اگر اینجا شکل نیک است حکم بر نیکوی کند و اگر نحس
حکم بر بدی کند و حال خوردن چیزی هم از خانه دوم گوید و نظر به شکل وگواه شکل دوم کند
اگر سعد باشد غذا خوب بود و اگر در هم سعد باشد در کیسه مال بیاید نقره دارد و در سکن [illegible] و [illegible] مال سائل
صرف شود الا جای نیک

در قاعده دانستن که امروز چه خورده است

کیفیت معلوم کردن که چه خورده اند و چه خواهند خورد این حکم از منزل دوم و سیوم گوید و نحوست و سعادت
شکل حکم کند اگر [illegible] باشد چیزے چرب و شیرین خورده است و دائره [illegible] است یعنی طعام
ها که با شکال نسبت دارد
اینست بران حکم کند

هفته و متولدات ماه و زوائمات سال باشد و نیز اگر کسی سوال کند که مقصود من تا کے خواهد شد از همین قاعده حکم کنند و از ضرب اول و پنجم گوید و بیند که کدام عنصر برآمده اگر آب برآید مراد به برادران و خواهران باشد علی هذا القیاس و مدت گفتن و آب و خاک شناختن از دائرۀ ابجد باشد اینست

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴

و مدت عدد گفتن از دائرۀ مذکور چنانچه [illegible] ۲۹ عدد داشت آتش یک باد چهار و آب هشت و خاک شانزده ۱۶ جمله ۲۹ شد و حکم این دائره از شکل مقصود است و چنانچه اگر سوال از سفر باشد در ۲۹ روز یا هفته سفر خواهد شد و نیز تکرار شکل را نگاه دارد در هر کار مدت گوید

قاعده دانستن مباشرت وغیره

کیفیت معلوم کردن مباشرت سائل که امروز واقع شود یا نه پس اگر در اول [illegible] باشد یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible] در خانه ۲ یا ۴ یا ۵ یا ۹ یا ۱۱ باشد و [illegible] در ۳ و ۵ و ۷ باشد البته مباشرت واقع شود مجرب شده است و اگر در خانه اول نقطۀ آتش بنا شد آب باشد و در ۳ و ۷ نیز باشد آن روز البته مباشرت واقع شود و یا [illegible] در اول باشد و در ۴ و ۷ هم باشد نیز دال بر شدن جماع است و خانه احتلام خانه سوم باشد از انجا حال این حکم گوید

قاعده دانستن عالم و جاهل شخصی را

معلوم کردن عالم و جاهل شخصی اگر در خانۀ اول ۹ شکل سعد باشد و بشرطیکه [illegible] و [illegible] در رمل موجود پس عالم است و از نحس جاهل و کیفیت معلوم کردن که سائل کمال دارد یا نه اگر [illegible] که شکل رمل است و نیز شکل آفتاب منسوب به کمال است در خانۀ طاق باشد سائل طالب کمال دارد و معاش نیست و خانه های طاق است

وخانهٔ اول صاحب خانه باشد و هفتم مهمان و کیفیت شدن و ناشدن ضیافت از خانهٔ اول گویند و اسباب
و ظروف از ۲ و احوال مهمان از ۳ و مقام مجلس از ۴ و خوشی و ناخوشی رسانند و از ۵ از ۶ احوال پیر و غلامان
و خدمتگاران از ۶ و احوال زنان که در مجلس حاضر باشند یا نه و جنگ و خصومت واقع شود یا نه از ۷ و
خوف و خطر از ۸ و احوال علم و خواب و سفر و ملاقات شود یا نه از ۹ و احوال کارکردن در محفل از ۱۰ و احوال
دوستان از ۱۱ و احوال دشمنان و چارپایان از ۱۲ و این احکام همه جا بکار خواهند آمد اگر در خانهٔ ۲ شکل
سعد باشد رسیدن طعام گوناگون و اگر داخل و ثابت باشد دال بر طعام یک نوعه و منقلب نیز دال بر
گوناگون طعام و شکل سعد دال بر طعام لطیف و نحس دلیل بر زشت و بدی اگر آن شکل در آن جا ضعیف باشد دال بود که
منسوبات و متعلقات خانه ضعیف بود و اگر شکل اول تکرار در خانه سعد کند دال بود که منسوبات خانه زود حاضر
سازند و در نحس تکرار از منسوبات آنخانه زود حاضر نسازند و اگر در خانهٔ اول و دوم این اشکال بوند [illegible] دال
بر چیزهای شیرین و نان و دوغ و گوشت حیوانی آبی و طعام بسیار گوناگون و اگر [illegible] و [illegible] بود دال بر
طعام لطیف و حلاوت و [illegible] دوران مجلس باشد و اگر [illegible] و [illegible] بوند دال بر طعام چرب و شیرین و میوه های
بسیار و طعام بسیار و شنیدن حکایت عجیب غریب در ان مجلس باشد و اگر [illegible] و [illegible] بوند دال بر چیزهای شور و
محوس و گوشت طائر چکل دار و طعام ترش بسیار و کثرت مهمانان و اگر [illegible] بود دال بر طعام تلخ و شور
و خام و خصومت و غمگین بودن صاحب مجلس بکاره بود و اگر [illegible] و [illegible] بود دال بر طعام شور و مکروه و غمگین
بودن مهمان و فتنه برخاستن در ان محفل و خرابی مجلس و متفرق شدن از آنجا و اگر این اشکال هر جا یک
تکرار کنند باهم مزاج باشند از آنخانه سخن گوید و اگر معلوم کند که مهمان چند روز خواهد ماند اگر شکل خارج
باشد یک روز بماند و اگر داخل باشد شبانه روز و اگر منقلب باشد نیم روز و اگر ثابت باشد چند روز خواهد ماند

همبرین قیاس حکم کند والله اعلم

قاعده دانستن برادران و خواهران

کیفیت معلوم کردن برادران و خواهران سائل باینست که اگر [illegible] در رمل موجود باشد باید گفت
که سائل برادر و خواهر دارد و اگر نباشد از خانهٔ ۳ گوید و حکم از داخل و ثابت بر بودن کند

لحیان	قبض الداخل	قبض الخارج	جماعت
چربی چرب وشیرین	شکر وقند ترشی آمیز	طعام خام تلخ وشور مثل مچھلی وترب تانی چکنک	طعام چند مزه وگوشت حیوان پنجه دار
فرح	عقله	انکیس	حمره
گلاب وشربت ونان و کباب وشراب	تلخ وشور واچار وطعام خام	ترش وگوشت و دال عدس	عدس گوشت گوسفند پلاؤ وقلیه و دال
بیاض	نصرة الخارج	نصرة الداخل	عتبة الخارج
شیر ودوغ وبرنج ودہی	برنج ونوز بات شیرین	تلخ وشور بامزه وثقیل وطعام لطیف	تلخ وشور و شراب وجو فشانده وخام
نقی الخد	عتبة الداخل	اجتماع	طریق
بادانجان وافیون و سنگھاڑه وطعام مکرده	شیرینی فاتحه ونان و کباب وشراب	کھچڑی و نخود	چند مزه دار چیز و مچھلی

اگر پرسد طعام امروز خواهد رسید پس دل را با ۳ باشد حکم بر رسیدن طعام کند و اگر در خانهاے شکل تکرار کند طعام از شادی رسد و در خانه ۸ تکرار کند از ماتم رسید و بعضی گفته اند که نقطه با دلیل شادی باشد و نقطه خاک دلیل غم و اگر شکل در خانه ۸ فقط نقطه آتش دارد دلیل بر چیزی چرب وشیرین خوردن باشد یا خواهد خورد و اگر باد باشد مثل گوشت ۸ روغن و اگر آب باشد مثل دوغ ونان خشک و اگر خاک باشد مثل نبات وساگ وغیره خورده است و بعضی از ضرب ۵ ۸ او دہم حکم فقط گفته اند ایں اشکال نتیجه باشد

قاعده مهمانی وضیافت

کیفیت معلوم کردن ضیافت ومهمانی وغیره اول معلوم کند که دریں مهمانی عروسی خواهد شد یا نه وخوشی کند یا نه پس نظر کند بخانهاے اوتاد از یع چون ا و ۴ و ۷ و ۱۰ اگر در خانها شکل سعد باشد حکم بر خوشی کند و اگر در ا و ۱۰ اسعد باشد دران مجلس مسائل ورتال (؟) با خوشی باشد و اگر در ۴ و ۷ سعد باشد عاقبت بخیر باشد

واگر پرسد که سائل دشمن دارد یا نه از خانهٔ ۱۲ گوید اگر شکل در خانهٔ ۱۲ نحس باشد و تکرار در خانهٔ ۶ یا ۸ کند دشمن دارد و اگر [شکل] در خانهای قوی باشد همین حکم دارد والله اعلم

قاعده داشتن طیور

کیفیت معلوم کردن که سائل طیور دارد یا نه اگر [شکل] در رمل موجود بود در خانهٔ قوی باشد و در خانهٔ ۹ یکی ازین اشکال باشد [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] [شکل] حکم بر داشتن طیور کند چنانچه [شکل] دال بر طوطی و شارک بود و [شکل] بر گنجشک و [شکل] بر بط و مرغابی [شکل] بر کبوتر و [شکل] مرغ جانگی و [شکل] کبوتر و فاخته و غلیواز و هر از دیگر طیور باقی برین قیاس حکم کند که این احقر نور محمد لبید گفته والله اعلم

قاعده حالت زنان شناختن

اگر از حال زن کسی پرسد از خانهٔ هفتم گوید و اگر پرسد که با زن جماع شود یا نه چنانچه اگر [شکل] در ۷ بود وقوع جماع با تقرب باشد و اگر [شکل] بود بوشت و اگر [شکل] بود بسرعت و تحکم کردن از [شکل] گوید و چون [شکل] در هشتم باشد بجنبد با جماع کند و زن بسیار خوشنود گردد و اگر کسی پرسد که جماع را لذت یابم این را از ضرب هشتم و هفتم گوید اگر نتیجه [شکل] یا [شکل] باشد لذت یابد و زن خوشنود گردد و اگر نتیجه سعد بود و نیز دلیل به مقاربت خوب است و اگر نتیجه بد باشد و به جماع لذت نیابد اگر کسی سوال کند که فلان زن از من رغبت کند یا نه از شکل هفتم گوید و چون [شکل] در ۷ و ۷ باشد فرج زن طراوت دارد و ضیق بنا شد و بودن [شکل] در ۷ زن موی سر زن از خانهٔ ۶ و ازین جدول حال زن و مرد دریافت کند جدول اینست

طراوت فرج زن از ۷ و ۸ و ۴	موی زهار زن از ۷ و از [شکل]	موی سر زن از ۷ و از [شکل]	رنگ و داغ جسم از ۷ و از [شکل]
شوق و محبت با شوهر از [شکل] و از ۷ و ۱۴	محبت و دوستی پوشیده از ۵ و ۷ و از [شکل]	میل زنان با زنان میل مردان [شکل] یا [شکل] و [شکل] و ۱۱	میل سیر و تماشا از ۷ و ۹ و [شکل] [شکل] [شکل]

وعدد برادر و خواهر از تکرار یا از شکل ۳ گوید اگر در خانهٔ آتش و باد تکرار کند برادر دارد و خواهر ندارد
و آب و خاک خواهر باشد همین قیاس گوید

قاعده دانستن حیات اقربا و اعزا

اگر رمال بداند یا کسی سوال کند که از برادران من چند حیات اند پس ببیند در زائچه که ... و ... کجاست
اگر در خانهٔ ششم باشد کسی از اعزا بیمار است و اگر در خانهٔ ۸ باشد مرده است و اگر در ۱۲ باشد کسی قید باشد و اگر
شکل سوم تکرار در ۵ و ۱۱ کند کسی برادر غائب باشد و حقیقت دانستن پدر سائل از ۴ گوید اگر ...
در رمل در خانه قوی باشد سائل پدر دارد و اگر ... نباشد پدر مرده است و نیز از شکل خانه چهارم گوید
اگر داخل باشد و تکرار در خانهٔ وتد یا مائل وتد کند پدر سائل هست و از باقی نه و اگر از حیات مادر خواهد
که بداند از ... گوید اگر موجود در خانه قوی باشد مادر سائل زنده است

قاعده دانستن ملک و مقام سائل

اگر معلوم کند که سائل ملک دارد و مقام دارد یا نه شکل ... صاحب ملک است و ... شکل مقام اگر در
۴ ... موجود باشد ملک دارد و اگر ... موجود باشد مقام دارد و چون ... موجود باشد یک مکان دارد
و اگر این شکل در دو سه جا باشد دو سه مکان دارد و خوبی املاک و مقام از شکل ۴ گوید اگر در خانهٔ ۴
شکل قوی باشد حکم به خوبی کند و اگر نحس باشد حکم به بدی مقام کند و خرابی و ضعف املاک از منسوبات
اشکال کند چنانچه اگر در ۴ ... باشد حکم به مار سیاه در خانه کند

در قاعده دانستن فرزند سائل که دارد یا نه

و فرزند سائل از تکرار ... گوید اگر موجود باشد یا در خانهٔ ۵ شکل داخل سعد باشد حکم به شدن
فرزند کند اگر تکرار در خانهٔ آتش یا باد کند حکم به نرینه است و اگر در خانهٔ آب و خاک باشد مادینه
بود و اگر در خانهٔ ۱۱ ... باشد حکم کند که زن سائل حامله است و اگر در ۱۵ ... بود و در ۲ ... و در
۸ ... بود دلیل حمل بود

در قاعده دانستن دشمنان سائل که دارد یا نه

موجود که صاحب خانهٔ هشتم ست از دائره ابجد اگر تکرار در خانهٔ اول و ۲ و ۶ و ۸ و ۱۲ کند
البته خوف بسائل برسد و بار شکل اول با [illegible] ضرب کند اگر نتیجه سعد باشد بخیر بگذارد و از نحس بد باشد
اگر گوید خوف از کجا رسد اگر نتیجه سعد از ۳ بود و تکرار در ۳ کند از برادر و تکرار در ۴ پدر علی هذا القیاس

قاعده دانستن چهار پایان سائل

کیفیت معلوم کردن چهار پایه که سائل دارد یا نه اگر [illegible] یا [illegible] در رمل موجود بوند و در خانه قوی باشد
حکم بر بودن چهار پایه کند و عدد چهار پایه از تکرار شکل ششم گوید یا از شکل ۱۲ گوید و حال بهتری
چهار پایه و حال است از خانه و از شکل سعد ۱۲ گوید

قاعده دانستن مطلوب سائل

و کیفیت دانستن مطلوب سائل اگر در خانه ۳ شکل داخل یا ثابت بود سائل مطلوب دارد و اگر
خارج باشد مطلوب ندارد و از منقلب و ابستگی دانسته شود والله اعلم

قاعده دانستن مراد سائل و صداقت

اگر معلوم کند که سائل در طلب مراد صادق ست یا نه اگر این اشکال در خانهٔ ۱ و ۴ بوند [illegible]
[illegible] و اگر این اند صادق ست و اگر این بوند [illegible] کاذب ست و اگر
سوال از مراد باشد و در خانه ۴ و ۱۰ این اشکال آید مراد حاصل شود [illegible] و
حکم انفصال نیز درین باشد بطریق مذکور و اگر معلوم کند که سائل آنچه طلب کرد حاصل شود
یا نه اگر در ۴ سعد داخل بود البته یابد

قاعده دانستن احوال خانه سائل

کیفیت معلوم کردن احوال خانهٔ سائل از نو و کهنه و جیو آنات خانه مثل آنکه اگر در خانه چهارم [illegible]
باشد دلالت کند که درین خانه مار باشد و اگر [illegible] بود دال بر عقرب ست و کوالف جملهٔ خانه سائل
از این جدول دریافت کند

پیش خانه خانه دوم	پس خانه خانه سوم ۳	یمین و یسار خانه خانه سوم و پنجم	علامت ہمسایه از یمین و یسار

ناز و اغماض زن از ۱۴	قوت زن بر مرد از خانه ۱۴	حقیقت جماع از ۱۴	لذت جماع زن از اول [illegible] و [illegible] و از خانه ۱۰
وقوع جماع با تقرب از [illegible] و از ۱۴	و جماع بوحشت از ۱۰ و از [illegible]	و تکلم با جماع از ۲ و [illegible]	جماع چند بار از ۸ و [illegible]
حالت قضیب مرد از [illegible] و ۷	وحال تندی از ۷ و [illegible]	وحال ضرب از ۱۳ با اشتراک ۷	وحال طبع و سیرت از اول و [illegible]
وحال عشق از خانه ۵	و غلبه مباشرت و شوق از ۱ و ۸	و قوت مرد از ۱۳ و [illegible]	کیفیت چند بار جماع از ۱۴ و از نقاط شکل ۱۴
در آغوش گرفتن زن را از [illegible] و [illegible] از ۲	درازی قضیب از ۷ و از شکل قوی	موی زهار مرد از ۱۲ و از [illegible]	داغ جسم و گل از ۶ و از [illegible]
حریص شدن بجماع از تکرار شکل اول ۵	نامرد بودن از [illegible] و از خانهای زائل	سستی قضیب از ۸ و از شکل نحس	و مطلوب مرد از ۵ و از ۱۳ و از داخل

قاعده دانستن حال قرض

اگر کسی سوال از قرض کند از شکل هفتم گوید و تعداد قرض از عدد شکل بگوید و تکرار او را جمع نماید و از مناسبات گوید بحسب دائره بند دح اگر گوید از فلان کس قرض طلب کنم بدهد این را از اول و هشتم گوید اگر نتیجه داخل باشد و در ۱۴ داخل یا منقلب باشد البته دهد و اگر نتیجه خارج باشد و در ۸ نحس داخل نه دهد واللہ اعلم

قاعده دانستن خوف سائل

واگر دریافت کند که سائل را خوف رسد از تکرار شکل اول گوید چنانچه اگر [illegible] در اول یا داخل

گرد پنجم ۵ و ۳ شد گفتم عمر سائل ۵۴ سال ست والله اعلم بالصواب

باب دوم در وصف اشکال

اگر در خانهٔ اول واقع شود دلیل بر رسیدن خوشی و حصول مقصود بود و اگر تکرار نکرده بکسی جا باشد
و اگر [illegible] گواه بود دال بر جملهٔ حیوانات خاصه ست و اگر [illegible] یا [illegible] گواه بود دال بر خوردن حلوا بود
و گواه هر خانهٔ ۲ و ۳ و ۴ و ۷ ساست و اگر غلبه کند یعنی از دو بگذرد حکم بر عکس کند و در خانهٔ
۵ واقع شود دال بر رسیدن خبر خوش و در ۶ اندک رنج و این شکل از مرض آنچه تعلق بسر دارد
و در خانهٔ هفتم طلاق دادن زن را دلیل ست و در ۸ ایمن بودن از خوف و در ۹ نکوئی
راه در سفر و خطبه خواندن و در ۱۰ نکوئی حال مادر و پادشاه و در یازدهم یافتن امید و شفا از مرض
و در ۱۲ خوف از دشمن و خلاصی محبوس و حیوانی بزرگ را فروختن و بخشیدن و اگر این شکل
تکرار در خانهٔ نحس کند دال بر خصومت بود و این تعلق بحیات و نفس و نظر دارد ست

احکام حمره

اگر در اول آید و گواه نحس باشد بدی تمام [illegible] غلبه کند یا در خانهٔ ۶ و ۸ و ۱۲ باشد
دال بر فنا بود و اگر در ۵ آید دلیل حرکت بچه در شکم یا مردن او در شکم و این شکل از مرض آنچه تعلق
بدهان و چشم و گوش و زنخ دارد و در ۸ دال بر مرگ و خصومت و رنجوری و بیم مرگ و محبوس
را بیم قتل بود و روان شدن خون از مرض و در ۱۲ دال بر غلبهٔ دشمنان و رنجوری
چهارپایهٔ بزرگ و از مرضها درد شکم و دمبل و جراحت و مانند آن و از مردم بی نماز و امرد
کاح زائل کننده بکارت بود و اگر در خانهٔ ۳ آید و تکرار نکرده باشد و گواه نیک بود دال
بر رسیدن زر سرخ ست و اگر در ۴ واقع شود سائل را از فرزند ترس بود و دزد برده
و گم شده و تلف گشته بدست نیاید و اگر در ۷ باشد برای طلب حاجت روز سه شنبه
نیک بود و در ۹ و ۱۰ و ۱۲ برای محبوس طلاق و زنجیر بود و شکل پیاله و صراحی بود و اگر
در ۹ حجم باشد و بطن ناظر بود دلیل بر خوردن شراب بود و اگر غلبه کند دلیل بر بسیاری چیزهای

بیرون آمدن از دروازه از خانه ۷	رفتن نزد کسی از خانه دہم ۱۰	منزل اول خانه ۴	منزل دوم خانه ۵
منزل سوم خانه ۶	منزل چہارم خانه ۷	منزل پنجم خانه ۸	منزل ہفتم و ششم خانه ۹
بازگشت بطرف خانه ۱۶ و ۱۳	سعادت و نحوست خانه از خانه ۴	مزبله و پنیا نه از خانه ۸	مقام طهارت و عبادت از خانه ۹

و اگر در خانه چہارم بود دلیل که در تہخانه قبر بود و اگر بود و شیر دلیل غار و چاه تاریک و بودن مار سیاه ست و آنچه که اشکال منسوب به مقامات بعت انهیت دائره منسوب اشکال بمقامات خانه

لحیان بام	عتبة الداخل دہلیز	عتبة الخارج دروازه	جماعت صحن
فرح جای سند و باغچه	حمره اندرون خانه	نقی الخد آبدار خانه	عقله صفه کوچک
نصرة الخارج زیر بام	نصرة الداخل صحن بام	قبض الداخل جاے نہادن مال و حجره	فیض الخارج بیت الخلا
بیاض ایوان	انکیس بدرو دوکا زیر	اجتماع طاقچه	طریق گذرگاه

قاعده دانستن تعداد عمر سائل

کیفیت معلوم کردن عمر سائل اینکه شکلے که در خانه ۱ باشد از دائره بروج ببیند که آنجا این که چند عدد دارد و عدد خانه هم جمع کند که نقد عمر سائل باشد مثلاً اگر عدد ۱۲ در ششم جاه بود و عدد خانه ششم ۲۲ جمله جمع

مال بود اگر بد حال بود خوب حال شود و اگر خوب باشد بد شود و در ۱۲ دال محبوس و خوف از قضات و رسیدن غم از کودک و در اول دال بر سرگردانی باشد و بر خرج مال و برآمدن غائب بود و در ۳ جنگ و فتنه و مخالفت در میان دوستان و مبارکی سفر و در خرابی مکان و در ۴ بد حال بیمار و خوف مرگ بود از مرض تب و لرزه و درد خصیه و آلت و در ۷ خصومت زن و شوهر و بدی حال بیمار و غائب بود و در ۱۱ تفرقه در میان دوستان و اگر غلبه کند بد باشد و اگر یکبار تکرار کند دال بر وحشت خاطر و بیم مضرت از دزدان و تعویق در مطلب و اگر تکرار نکند نکاح و علاج را نفع دهد و غلبه برای بیمار و حامله نیک بود و در خانه ۸ رنجوری فرزندان و ترک حرکت و خوف از جانب عزیزان و محبوبان و مال میراث

احکام اجتماع

اگر در طالع بود و گواه خارج باشد دال خلاصی حامله و بیمار بود و در ۲ آمدن غائب و در ۳ دلیل رسیدن شادی بود و در ۱۴ دال بر فتح از غیب بود و اگر غلبه کند دال بر هلاک بیمار بود و ترس از امراض قولنج و استسقا و درد پشت و درد گرده و صرع و تپ دق بود و در ۷ دال غائب و زن خواستن نیک بود والله اعلم

احکام عتبة الخارج

اگر در جای نیک تکرار کند دزد دیده و گم شده بدست آید و اگر جای تکرار نکند و در ۷ باشد دزدیده و گم شده بدست نیاید و بیمار و حامله و محبوس بعد از دیر خلاص شود و در ۹ سفر بی اختیار واقع شود و در ۲ و ۳ دال بر رسیدن غم از دشمن و اگر گواه سعد باشد بمقصود برسد و در ۶ خانه از مرض درد چشم و تپ گرم و جادو بود و اگر در اول این شکل آید هیچ حکم نباید کرد و اگر در خانه طاق باشد البته حرکت واقع شود و اگر تکرار نکند نحس باشد و سلامتی غائب و حامله بود و ملامت خاطر و نیامدن گریخته از دست رفته و درازی مرض و بدی حیوان کلان و توقف در کار و شکست لشکر بود و اگر یکبار تکرار کند جمیع احوال میانه بود و حصول امید باشد و اگر غلبه

رنج خوردن بود و دلیل ازالہ بکارت بود و خصومت و دعوی میراث واگر یکبار تکرار کند حال محبوس و حاملہ میانہ بود واگر در بین آید دال بر برآمدن مطلب وآمدن خون از دندان بود واگر تکرار نیک کند ہمہ احوال سائل نیک بود و انجام بخیر باشد

احکام نصرۃ الخارج

این شکل سوار است اگر در خانہ ۴ آید دال بر نقل مقام بود واگر در اول و ۲ و ۳ و ۹ باشد دلیل بر سفر بود و در ۱۲ برکشادگی کار بود و در ۱۶ فتح و نجات یافتن بعد از شدت غم واگر غلبہ کند بد باشد واگر در ۳ باشد غائب در سفر در ماند و برائے سفر و حرکت نیک بود و نیز برائے زن خواستن و بیمار و حاملہ نیک بود و دال بر آمدن غائب و دزد و برده و گم شده باشد واگر در اول یا در خانہ دہم باشد دال بر حصول مقاصد و زیادہ شدن عزت و جاہ و صحت بیمار بود و از تبدیلہ تعلق دارد واگر یکبار تکرار کند جمیع احوال مناسب و میانہ بود و تردد خاطر زیادہ و خرچ زیادہ بود واگر غلبہ کند دال بر فتنہ و خصومت از بزرگان و خلاصی بیمار و حاملہ و بعد از شدت و سلامتی غائب و دست رفتہ و ادای قرض بود واللہ اعلم

احکام بیاض

اگر در اول آید خوف راست بود واگر در خانہ ۶ و ۸ باشد حکم بر کفن دارد واگر در دہم بود دست معدہ بود و ثانی واگر غلبہ کند برای بیمار و حاملہ بد بود واگر تکرار کند ضعیف شود واگر در ہم رسید بیمارے رود و صحت برسد واگر در ۱۴ بود دال بر درازی عمر بود و در ۹ حکم نکاح ہم دارد و در ۵ دلیل بر فرزند و خبر خوش و در ۱۱ رسیدن رزق و پیوستن با زنان اگر غلبہ کند بد باشد واگر غلبہ نکند دلیل بر آمدن غائب و سلامتی حاملہ و بیمار و جمیع مطالب واگر در ۱۴ رسد دلیل بر آمدن مقصود است

احکام قبض الخارج

اگر این شکل تکرار نکند گم شده و دست رفتہ بدست بیاید اگر غلبہ کند دال بر تلف

مقارنہ ؏ بود دلیل بربستگی کار بود و اگر غلبہ کند دال بر حصول مطالب و زیادہ شدن مال
و یافتن گم شدہ و گریختہ و دزدیدہ بود و دال بر تعین خاطر در اول بود و نیز باطل شدن عزم سفر
باشد و برای بیماری و محبوس در خانہ ششم و دوازدہم بد بود

ح ؏

...ود دال بر لذت و شہوت باشد و اگر در خانہ
...فر و حرارت مزاج و بدی علاج و طلب برای
...دست رفتہ بیاید و برای فسق و فجور نیک بود
...گر بطرف قبلین آید قاصد زود رسد و اگر تکرار
...ل فرزند بہتر بود و صحت بیمار باشد از امراض درد
...بود و اگر در خانہ نیک باشد فتح جنگ بود

...اخل ؏

...بود و اگر در اول آید دلیل آمدن مراد بود و
...ریک این ؏ بود دلیل آمدن غائب و یافتن
...ہمہ کارہا نیک بود اگر یکبار تکرار کند بر آمدن
...بود و اگر ؏ شریک این باشد دال
...و ہدیہ و تحفہ و نامہ و دزدیدہ و گم شدہ باشد

...ہ ؏

...حاجت و شرو فساد و حصول نامہ بود و اگر
...طلب باشد و اگر غلبہ کند دال بر خوف و بدی در حاجت
ست و سقوط حمل باشد و قصد رفتن بیمار و اگر در ۱ یا در ۲ یا در ۱۰ آید دال بر زیادہ شدن عمر سائل
و مال و معاش زیادہ شدن و ترقی جاہ و مرتبہ و دو تکرار این شکل فائدہ بسیار ست برای نکاح

کند دال بر سلامتی حامله و بیمار و زائل شدن غم و دیر آمدن غائب و سلامتی نفس سائل و هلاکت دشمن بود و الله اعلم بالصواب

احکام انکیس

دال بر شخص خاک آلوده بود و در خانهٔ ۲ ضعیف بود و برای خاطر مال و اگر تکرار بسیار کند دال بر خلاصی بیمار و حامله و محبوس بود و اگر تکرار نکند دال بر بدی و غیره و در ۶ دال بر خریدن غلام و حیوان بود و از امراض کند پیش و در دزانو معتقد بود و اگر در هفتم آید زر بدست آید و اگر در ... قریب گواه بود چهارپایه و نامه برسد و در ۹ برای سفر بد بود و اگر ... یکبار شریک شده تکرار کند بدی بیمار و حامله بود و الله اعلم

احکام عقله

اگر یکبار تکرار کند بدی بیمار و حامله بود و اگر بطرف یمین آید غائب زود برسد اگر تکرار نکند نیک بود و اگر غلبه کند دال بر ظهور امراض و گرسنگی و تنگی معاش و بدی مهمات و قبض خاطر و ملالت طبع و جمع شدن مردم در گورستان و بدی احوال مریض و حامله و در خانهٔ ۷ دال بر بستن عقد و نکاح بود و در ۶ خریدن غلام و در ۸ برای بیمار و حامله و محبوس بد بود و در ۹ بدی حال سفر و خواب پریشان دیدن و در ۱۰ دلیل بر آمدن غائب و قوت عمل و شغل و در ۱۲ دال بر قید شدن و در ۳ و ۲ نیک بود و در ۱۶ دال بر غم و اندوه و متفکر بودن و دال بر شخص پیاده و زن حامله و کاسه و کوزه و ظرف و غیره و اگر در خانهٔ ۷ باشد برای زن خواستن نیک بود و در نهم برای سفر بهتر و اگر تکرار کند سائل سفر حرکت کند و ضمیر یمین باشد و طالع سائل را انقلاب کند از حالی بحالی دیگر و الله اعلم

احکام قبض الداخل

اگر در اول آید دلیل بر بهتری نفس و ضمیر مال بود و اگر در دوم بود دلیل بر قبض مال و قدم غائب بود باعتبار سکن و باعتبار ابسح بر زیادتی منصب و اشتغال بود و دلیل گم شده مال غائب برسد و در تنها بسیار گردد و اگر گواه سعد باشد دال بر شدن نکاح بود و اگر بقارنه بشد بود و زن جمیله بدست آید و اگر

مقارنه بود دلیل بر بستگی کار بود و اگر غلبه کند دال بر حصول مطالب و زیاده شدن مال و یافتن گم شده و گریخته و دزد برده بود و دال بر قبض خاطر در اوّل بود و نیز باطل شدن عزم سفر باشد و برای بیماری و محبوس در خانهٔ ششم و دوازدهم بد بود

احکام فرح

اگر در خانهٔ اوّل باشد دال بر آمدن مطلب باشد و دال بر لذت و شهوت باشد و اگر در خانهٔ نحس باشد بد باشد و اگر غلبه کند دال بر ترددِ خاطر و بدی سفر و حرارت مزاج و بدی علاج و طلب برای معشوق بود و حامله بعد از محنت بسیار فرزند زاید و از دست رفته بیاید و برای فسق و فجور نیک بود و در جنگ فتح نباشد اگر یکبار تکرار کند همین حکم دارد و اگر بطرف یمین آید قاصد زود رسد و اگر تکرار نکند دال بر خوشی و رسیدن نامهٔ دوستان نیک بود و حال فرزند بهتر بود و صحت بیمار رها شدن از امراض درد سینه و قولنج و حرارت مزاج و خلاصی محبوس و حامله زودی بود و اگر در خانهٔ نیک باشد فتح جنگ بود۔

احکام نصرة الداخل

اگر غلبه در روحی رمل کند دال بر باران و برف آمدن بود و اگر در اول آید دلیل آمدن مراد بود و سقوط حمل کند و حال بیمار و حامله مساوی بود و اگر شریک این بود دلیل آمدن غائب و یافتن مال بود و در ۵ دلیل آمدن فرزند و خبر بود و اگر تکرار کند همه کارها نیک بود و اگر یکبار تکرار کند بر آمدن غائب و خلاصی حامله و ترددِ خاطر و حصول نامه را دلیل بود و اگر شریک این باشد دال بر آمدن حاجت و شدا ۲ نکاح و بد ست ۱۰ آمدن خلعت و هدیه و تحفه و نامه و دزدیده و گم شده باشد

احکام نقی الخد

اگر تکرار کند در خانهای نیک بود دلیل خوشی و خلاصی حافظه و ترددِ خاطر و حصول نامه بود و اگر یکبار تکرار کند نیک بود و اگر در ۳ بود حصول مطلب باشد و اگر غلبه کند دال بر خوف و بدی در حاجت است و سقوط حمل باشد و قصه گرفتن بیمار و اگر در ۱ یا در ۲ یا در ۱۰ آید دال بر زیاده شدن عمر سائل و مال و معاش زیاده شدن و ترقی جاه و مرتبه و در تکرار این شکل فائده بسیار است برای نکاح

کند دال بر سلامتی حامله و بیمار و زائل شدن غم و دیر آمدن غائب و سلامتی نفس سائل و هلاکت دشمن بود و الله اعلم بالصواب

احکام البیاض

دال بر شخص خاک آلوده بود و در خانه ۲ ضعیف [illegible]
بیمار و حامله و محبوس بود اگر تکرار نکند دال بر [illegible]
بود و از امراض تپش و درد زانو و معقد بود [illegible]
بود چهار پایه و نامه برسد و در ۹ برای سفر بد [illegible]
حامله [illegible]

احکام عقد [illegible]

اگر یکبار تکرار کند بری بیمار و حامله بود اگر بطرف یمین آ [illegible]
کند دال بر ظهور امراض و گرسنگی و تنگی معا [illegible]
شدن مردم در گورستان دیدی احوال م [illegible]
بود و در ۶ خویش غلام و در ۸ برای بیمار و ح [illegible]
پریشان دیدن و در ۱۰ دلیل بر آمدن غائب و [illegible]
و انیک بود و در ۱۲ دال بر غم و اندوه و متفکر بودن [illegible]
ظرف و غیره و اگر در خانه ۲ باشد برای زن خوا [illegible]
سفر حرکت کند و ضمیر یمین باشد و طالع [illegible]

احکام قبض ا [illegible]

اگر در اول آید دلیل بر بهتری نفس و ضمیر بال [illegible] ـدم بود و مرض ایشان [illegible]
با عتبار سکن و با عتبار ابسح بند باد و [illegible] ـج بود و دلیل گم شده مال غائب برسد و رفتا [illegible]
بسیار گردد و اگر گواه سعد باشد و ا [illegible] و اگر بسیار نه شده بود زن جمیله بدست آید و اگر

این اشکال شریک ... بود یعنی ... و ... مراد حاصل شود و اگر ... بود حکم بر سفر کند و ... در خانهٔ خویش یعنی در ۵ اسانا ... دلیل بیرون آمدن از غم و رنج بود و اگر ... شریک باشد دال بر بدی یافتن از مراد سائل باشد و گم شده و گریخته بدست نیاید و اگر ... شریک بود دال بر بدی یافتن حال بیمار و حامله باشد و بدشواری وضع حمل شود و اگر در هفتم شریک این شکل باشد و اگر آنجا داخل بود دلیل که سائل برای نکاح سوال دارد و البته نکاح شود والله اعلم۔

احکام جماعت ...

اگر این شکل غلبه کند در رمل دلیل بر بستگی عهود و مواصلت و تحصیل علم و آمدن نامهٔ حکام و بزرگان و تنگی حال بیمار و باطل شدن عزم سفر و بستگی راه و بحث کردن با علما و سعی در تحصیل علم و بستگی حامله و خاطر و در مهمات جنگ بد بود و اگر در خانهٔ ۶ بود بیمار را بد باشد و در ۷ دال بر شدن نکاح بود و در خانهٔ ۸ دلیل بود بر تلف املاک و رنجوری مادر و در خانهٔ ۹ دلیل باشد بر نکوئے حال علم و خواب و در خانهٔ ۱۰ دال بود بر بهبودی شغل و عمل و بهبودی طالع حکیم و در ۱۱ دال بود بر دوستی دوستان و بر آمدن امید و در خانهٔ ۱۲ دال بود بر جمع شدن مردم و در ۱۳ دال بود بر تشویش خاطر و در خانهٔ ۱۴ دلیل بود بر فاتحه خواندن و زیارت نمودن مقام بزرگ و در ۱۵ دلیل بود بر قبض خاطر سائل و مشورت نیک حاصل شدن و اگر از دو شکل سعد داخل در این خانه حاصل شده باشد مراد یا سائل حاصل ست و اگر در میزان از دو نحس خارج باشد بد بود و از زنان منقلب در توقف افتد و در خانهٔ ۱۶ دلیل بود بر تفکر و تردد خاطر والله اعلم

منسوبات خانهای شانزده گانهٔ رمل منسوبات خانهٔ اول بطریق همین دائره که با اشکال ذکر رفته است

بدانکه خانهٔ اول به چند چیز منسوب ست اول قوت و ضعف طالع دوم اندیشه و فکر و دل بستگی سائل و میانه بودن احوال و کیفیت مزاج و اخلاط و پاکی و ناپاکی بدن و احوال دیدن روح و جسم و رنج و شادی و لاغری و فربهی و ضمیر و عوارض بدن و بستگی و کشادگی طالع و قوت

وپیوستن با کسے و بدست آمدن گم شده است و برای بیمار و حامله بد بود و دیگر گواه خارج
باشد و نیز دال بود بر زن حامله اگر در ماضی افتد و اگر در مستقبل افتد حامله میشود و از امراض
درد شکم و خون رفتن و مرض گوناگون و در ے دال جمع شدن با زنان و دوستی کردن با بزرگان
و در ۹ آموختن علم و دیدن خواب خوش و رسیدن تحفه و هدیه باشد و اگر ۱۲ مقارنه بود و مراد حاصل
در همه کار شود و اگر در رمل حامله حاضر باشد ضرور حمل دارد

احکام عتبة الداخل

اگر در رمل آید دال بر حصول مطالب ست و از دست رفتن و زائل شدن غم و خوف و تردد
خاطر و زیاده شدن رطوبت در مزاج و سلامتی غائب و حامله و محبوس اگر تکرار کند همه احوال
میانه بود و اگر در خانه سعد باشد همه مطالب بر آید و اگر در یمین آید غائب زود برسد و اگر در دوم بود
دلیل بر رسیدن خبر نیک بود و نیز جمع شدن مال از جانب زنان و از محبوبان فائده دیدن
و در خانه سوم بر خوشی حال برادران و خواهران بود و امید که سائل دارد در عرصه شش روز
بر آید و در خانه چهارم دال بود بر زیادتی املاک و زراعت و خوشنودی از جانب پدر و در
خانه پنجم دلیل بود بر رسیدن تحفه و هدیه و خط و خبر و اگر شریک بود از مطلوب مواصلت
گردد و در خانه ششم دلیل بود بر نکوئی حال حیوان خورد و بندگان و کنیزان و خدمتگاران
و حال نوکری بهتر بود و برای بیمار و حامله و محبوس بد بود والله اعلم

احکام طریق

این در احکام بیع و شرا او نفع در سفر بود و زائل شدن عمر و خلاصی محبوس و بیمار و رنجور را درد
شکم و خون و بلغم و درد سینه و تپ و لرزه بود و اگر تکرار کند دال بر رد و خطا و توقف در حصول
مطالب بود و اگر در یمین آید غائب و گم شده برسد و اگر غلبه کند دال بر بدی احوال بود و نسوت
وی اینکه اگر در خانه این شکل که پانزدهم است ۱ باشد ... ل بود از ده شکل داخل حاصل شده باشد
دال بر مفارقت و دکس و جدائی ست زیرا که ۱ شریک ... گشته که بخانه او رسیده و اگر در ۱۵ ...

و دیدن خواب و بد و نیک آن از این خانه گویند و دال بر چیزے و فهم و فکر و مصلحت کردن
و احوال آینده بحال فتح شود یا نه و از اعضا دست و ساعد منسوب ہست انیخانه آبی ست خانه مشتری

منسوبات خانه چهارم بطریق دائره ابجد

تعلق بملک و مقام دارد و مقام سائل ہر جا که مقیم باشد بسفر و حضر و انیخانه را نسبت دارد گو کان
را بمکتب دادن و ذکر و فکر سائل و مردم و گمان و اعتماد ملک نمودن و حال دفین و کار پوشیده
و مقامے فضول اول سفر و مستقبل سوم و حال شکم و حال معده و نسیان و دوا خوردن و
احوال خانه نو و کهنه و دریچه و بالاخانه و حوض مجلس شراب فروش و ظروف خانه و جای
خواب و آخر راه یار و نیز یا نشستگاه ساختن و چند کس در خانه آینده و طرف گریخته
و دیدن شهر چند بمیرند و چند متولد شوند و حیوانات خانه که باشکال منسوب اند انیست [illegible] را نسبت
بقبر ہست و از حیوان چلپاسه و مثل [illegible] را نسبت بمار ہست و نیز جاے ویران و خراب و [illegible]
را نسبت به عقرب ہست و نیز مقام مسلخ و ذبح گوسفند ان ہمین طریق حکم کنند و این خانه
خاکی ست و خانه عطارد ست [illegible] ست و مقام شرف [illegible] ہست و حال چاه کندن
و حال غار و مغاک از آمدن [illegible] دریخانه گوید فقط

منسوبات خانه پنجم بطریق دائره ابجد

و انیخانه منسوب به چند چیز ست اول فرزند و آن متعلق به [illegible] ست دوم معشوق و آن متعلق
به [illegible] ست سوم خبر و آن متعلق به [illegible] پس اگر سوال از ایشان باشد اگر این اشکال حاضر
رمل باشند از نحوست و سعادت خانها و تکرار آنها دیده حکم کنند و دیگر منسوبات انیخانه
متعلق به [illegible] ست از دائره ابجد و آن منسوبات این اند فرزند و معشوق و نشاط کردن
و شراب خوردن و لباس و خلعت یا بیعانه و زیور و زینت و بوے خوش و ناخوش
و شادی کردن و اقسام ساز و چنگ وغیره و شطرنج و ساختن نرد و عیش نمودن با
محبوب و مهمانی کردن و تحفه رسیدن و نامه عروسی و زن را که حامله باشد یا خود طلبیدن

ضعف بدن و روح و خوشی و ناخوشی زندگانی و ابتدائی کار و احوال عمر و احوال امروز
و هفته و ماه و سال و سوال مباشرت و معلوم کردن عالم و جاهل و دیدے سفر و احوال صدق و
کذب و سکون و حرکت و صحت و مرض و غنا و فقر و غصه و غضب و احوال دل سائل و سمع و بصر
احوال صدق و حواس ظاهر و حالت برخاستن وقت صبح و دستار و برقع و آنچه بر سر باشد و از
اعضا روی و دماغ و ابرو ریش و مقصود الاشیار گویند و خانه دوم را نیز بچند چیز تعلق است

منسوبات خانهٔ دوم بطریق دائرهٔ ابجد

اینخانه منسوبات بمال حاضر و نقد و عهده و عطا و رزق و قوت کیسه و غذا چه خورده است یا چه خواهد خورد
و حال بیع و شرا و حال خرمی و زشتی و بخل و سخاوت و حال افزادویه و حال جامه و لباس
و محارم و نائه غائب آید یا نه و احوال عیش و معاش و کسی نزد سائل آید یا نه و با شریک سائل و آنکه
سائل بقدوم غائب و حال دوا و حال مهمان رسد یا نه و احوال خواب و بیداری مرد و زن و
احوال گواهان که صادق اند و احوال شب رفتن و اسم حقی و لقای زنان و وداع دوستان
و احوال رفتن و قوت غذاے و نسبت مرض و فرستادن نامه و رسول و غنا و مزامیر و
صنعت فرزندان و خرید و فروخت و حصول هر چیز و افزونی مال و دولت و نصیب است یا نه
و قرض زود ادا شود یا نه و از اعضا چشم و دهان و حلقوم و طرف گردن و اینخانه را بیت المال
گویند و با دلیست و تعلق بمریخ دارد فقط

منسوبات خانهٔ سوم بطریق دائرهٔ ابجد

بدانکه اینخانه منسوب بنقل و حرکت نزدیک است یعنی بهمسایه رفتن و رفتن در بازار و صحرا و ابتدای تعلیم و احوال شفا و
عنان توسن و کمال و رفتن بطرف دریا و ظروف خانه و خم آب و چراغ و احوال کوچه و جرکین وغیره
و مستقبل وغیره و اختلام نشست و شو و خانه آخر و تنور و آنچه در وی زند و فسق و فساد و عبادت و بیدارے
و آبادی مساجد و مدارس و معلوم کردن عالم و جاهل و ایراد کردن و سعی کار و خوردن مال و اتصال سازگاری
و حال اقربا و حل اشکال و درینخانه این است و بدترین است و احوال برادر و خویشان و دایه و سازگاری همنشین

وخانهٔ اعطار داست

منسوبات خانهٔ هفتم بطریق دائرهٔ ابج

اینخانه منسوب به عقد و نکاح و دعوی و غائب و ضد و زن و شریک و نکاح و قرض و موضعی که
بدان خواهد رفت و مقام دیگر و صورت وزد و تازگی و تری و ذلت و عزت و هفته و خانهٔ مطاوبا
بحسب دائرهٔ بزوح و خانهٔ تهمت بیع و شرا و شرکت و خسوف و کسوف و باران و باد و زلزله
و صاعقه و بیماری از نار و خانه بر بلد که از آسمان آید و مقصد زن و مسافر و غائب معلوم و قرض داد
بدست آید یا نه و حال محبوس که کدام روز خلاص شود و حال حامله که کدام روز حامله شود و این حکم از او
و ... گوید و حال مقصد و میل دل سائل چنانچه درینخانه ... اگر باشد میل دل تماشا دارد و طبقات
انسان متشکل الوجوه چنانچه فاسق و منافق و صالح و اولیا و اعلیٰ و آشنا و بیگانه و قریب و دور
تعداد مردم که در خانه آیند و زود یا دیر بیاید از شکل و یا از تکرار گوید و زود و سهولت هر کار نیز
همین طریق گوید و سپردن امانت و رفتن به ملاقات از شرکت کردن و حال محله و شهر دیگر و احوال
ازو و صاحب اوقات و قلم زن و قاضی و محتسب و عهد و قول و حال غرق شدن کشتی و اہل کشتی
و اینخانه متعلق به آب دل ست و خانهٔ راس ست

منسوبات خانهٔ هشتم بطریق دائرهٔ ابج

و اینخانه متعلق بمرگ دارد و قتل و زن را بیت المال ست و مال میراث و مال غائب
و جنگ و عجائب و غرائب احوال و خانهٔ فاقه و خانهٔ احوال ماتم و مزبله و چاه و زندان و زهر دادن و
مال زن و سبب مردن و خواری رسیدن اندوه و دزد برده و تلف شده و خانهٔ آنکه اراده مردم
بیش مال آید انچه از زمین دیدن سائل را باشد و بول و غایط و بلغم و احوال مقعد و مردن و نزع و ایمان
از ضرب اول و ششم گوید و تباهی بدن از دار و ها و خانه دوکان قصاب و شوهر و دیگدان و ظروف
و تنور و خانهٔ خاکستر و سوختن هندوان و احوال آینده زمان و بدترین اشکال درین خانه نحس
اند و از اعضا رحم و مثانه و فرج زن و ذکر مرد باشد و این خانه متعلق به خانهٔ اول است خانه۔

وفسق وفجور وصورت زن نیک ست یا بد ست وطلاق دادن ومحل زنان اندام اختن وحال
لذت وشهوت وحصول کامرانی وصدق وکذب وکیفیت ذائقه وحالت منی سائل از عیب
وحال سواری بخوشی وناخوشی رفتن واحوال دعوت وتماشا رباغ ودعوت کردن وگشتن
در بازار واین خانه وحال اندرون دل وفتوح شود یا نه ولذت اکل وشرب باشراکت دوم گوید
ماندگی وتری فرزند ومعشوق ومعجون خوردن وخط فرستادن وکتاب خواندن وبهترین اشکال
درین خانه ... ست وبدترین اشکال ... واز اعضا پشت وسینه وپستان واین خانه آتشی ست
وخانه ذنب است

منسوبات خانه ششم بطریق دائره ابدر ح الفنست

این خانه دلیل بیمار وشاگرد وغلام وزیردستان وکنیزان وحیوان خرد دارد واین از ... به
بینه وضائع شدن وگریخته وطیور وفسخ معامله وفاجری کردن وظالم وعلم ریاضت وهر شکل که درین
خانه آید فعل بد دارد وخوف پیدا کند واحوال زن حامله وسر پوشیده ماندن یا نه وآفت سماوی
ودر پنهان کردن راز واحوال نوکر ونوکری ومال ومحل وایام حمل از روز وماه وهفته فراموش
شده وبستن وکشادن مرد یا دکان وحال گرسنگی وشکم سیری وحال قوت هاے
معده از ماسکه وجاذبه وکوائف واقعه واحوال سر زنان وسحر وحال کوتاه شدن ودراز
شدن معامله وسر چاه ودرین خانه بحسب تجربه معلوم شده که ... متعلق به موی خرد ست و ...
کل وداغ باشد در سر واگر درین خانه شکل داخل باشد وتکرار در اول کند خوف رنجوری سائل باشد
واز منقلب دلیل انقلاب نمودن بیماری باشد که بعد از صحت باز رنجور گردد ودیگر بدترین
اشکال درین خانه براے بیمار ... و... ست وبهترین اشکال براے بیمار ... واشکال خارج
اند در همه کارها واشکال داخل نیک بود علاوه بیمار وآمدن لعبان درین خانه سه شخصے که رنجور باشد
بود واز اعضا دست راست بود واحوال زن گذشته وشوهر گذشته ازین گویند ومقام
حرکت برادر وخانه هم سائل دخله ودیگر اعراض بد سائل باشد واین خانه متعلق باد

دریازدهم غوغا و فریاد آمد بر سر حامله و صحت از مرض شود یا نه خانه شفا و هم خانه مرگ و کیفیت
بحر طوفان و برآمدن از غم و رسیدن به وصال و خانه مهمان و بخت و دولت و حاجت و کشادگی
بخت دختران و عشق کردن با زنان و ثنا گفتن و خانه زر را در دست او و مردمان امیر و زن فرزند
و مرض فرزند و غلام و کنیزک فرزند و مال پادشاه و خزانه و مال مادر و مرگ پدر و گان برادران و معشوقه
زن و شوهر معشوق و خانه راست و دروغ دیدن وعده و مال او ستاد و بدترین اشکال در اینجا
نحس است و از اعضا مقعد تا زانو و پای راست دارد و به بادی آبی است و نیز متعلق آب است
و متعلق به زهره است

منسوبات خانه دوازدهم بطریق دائره ابجد

اینخانه منسوب به زندان و موت و غم و تهمت و دشنام و مقروض شدن و درویشی و بیمار
قدیم و خانه ساقط است و خوف و مرگ فرزند و معشوق هم این گویند و خانه دشمن و تلخ گفتن
و در چاه افتادن و جنگ و قتل و معلوم کردن خفیه یک بد و بند و زندان و درین خانه
شکل سعد نحس باشد و خانه مرض زن و غلام زن و روزگار برادر و سفر پدر و منسوب به مقام
و مقام گورستان و افتادن از منصب و کفش و جفت پاپوش و خانه کفش و در و از اعضا
پای چپ و پاے پوشیده و بی پاپوش و نیز پای برهنه و این خانه متعلق به خاک است و از
در بهاد آبی است و خانه زحل است و از درجه خانه مثنی است

منسوبات خانه سیزدهم بطریق دائره ابجد

اینخانه منسوب به طالب و طلب است و سعی نمودن و رکامی و عیش بیرون رفتن و معلوم کردن
کشف و کرامات و طول عمر و زندگانی و خصومت زن و احوال محبوس بشرکت دوازدهم و
دعا مستجاب شود یا نه و حقیقت سعی و طلب سائل و ضمیر و گواه اول و پنجم و نهم و طلب هر
چیز و امید برادران و روزگار پدر و جاه و مراتب پدر و سفر فرزندان و مرگ غلامان و کنیزکان
و بسا درد دوستان و پدر و مادر و خانه یار برادر و اوستاد و مرشد را برادر هم از این گویند و انه

زحل هست و ساقط است

منسوبات خانه نهم بطریق دائره ابجد

اینخانه منسوب به سفر و حالت خواب و سبلی و عبادت و نماز است و عبادت نمودن هنودان و علم
آموختن و احوال معشوق و حال اعتقاد سائل و احوال معلم از شرکت و هم گوید و حال
فصاحت و بلاغت و پاکی و ناپاکی مرد و زن و حرکت و سفر دور کردن و غائب و مقام دیگر و بسم
نشستن زن و شوهر و حصول علم و دستور و کردار و کار و خانه عقل و فراست و افسون خواندن و خطبه
و خطبه نکاح و عقد کردن و ملاقات با شخصی شود یا نه و خانه توبه کردن از کارهای بد و احوال راه
و ظن بر کسی بردن و حال راست و دروغ معلوم کردن و قول و عهد با یکدیگر بستن و قسم خوردن و این
در اینخانه اشکال بمانند [illegible] عضو از اعضا پشت و پهلو و اینخانه خانه آتش سوم است و بحساب درجه
آبی است متعلق به زحل هست و نه درجه دارد

منسوبات خانه دهم بطریق دائره ابجد

اینخانه متعلق به عمل و شغل و کار و بار است و منسوب به سائل و رمال و اوستاد و پیر و بخت و رفعت
است و خانه مقام مردان و آفت ناگهانی و سماوی و روزگار و رزق و صحن خانه و دار العمارة بادشاه
و منصب و جاگیر و طلب رزق کردن و علم آموختن و پیشه کردن و طالع مادر و طالع حکیم و طالع بادشاه
و قاضی و محتسب و طبیب و مقام بلند و حال سماوی و غذا خوردن و حال پدر زن و پدر شریک
زن گوید و غلام و نوکری و مرض معشوق و مرض فرزند بیمار زمین باید گفت و خانه شریک و شوهر خویشان
زن [illegible] و خانه [illegible] و خانه کرم و نظر عنایت بادشاه و غضب بادشاه از طالع سائل
و خوش آمدن خبر و قاصد فرستاده را حال از اینخانه بپرسید [illegible] شکل در اینخانه [illegible] اندر
از اعضا جگر و دل است و از درجه بادی درجه آب دارد و متعلق باد است

منسوبات خانه یازدهم بطریق دائره ابجد

و اینخانه متعلق با امید و دوستان قدیم و نامه کتاب و نوکر و شاگرد و دروازه زن حامله اگر بچه آید

باب سوم در بیان قواعد متفرقات قاعده اول در بیان مزاج نقطه‌ها از حرارت و برودت و غیره

بدانکه استمزاج نقاط او که چون آتش و باد و آب و خاک مذکور گشت اکنون باید فهمید که از اختلاط عناصر مزاج
پیدا گردد چنانچه حرارت و برودت اشتراک نمایند رطوبت پیدا شود و در رطوبت و حرارت یبوست ظاهر
میکند پس این دو مزاج مقوی اند چون حرارت با یبوست و رطوبت مزاج افتاد از
طبیعت آتش بود و سوم پیدا میکند از موافقت حرارت و رطوبت هوا زیرا که چون آفتاب سخت
و گرم باشد و باد وزیدن گیرد گرمی محو شود و اثر چندان نباشد و در هر نقطه باین محل اشتراک است
چنانچه برودت را با یبوست مزاج افتاده و ایزد جل و علا بعد از آفرینش عالم ازواج حرکت
و سکونت را در کلام مجید فرموده است وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ یعنی موجب حرارت گویند
و سکونت را موجب برودت و یبوست زایل از برودت و رطوبت را داران در قوت فاعل نهاد و دیگر
دو قوت مفعولی بر چهار عناصر مخصوص فرمود پس فاعل است بنار و هوا و مفعولیست با آب و خاک
چنانچه مراتب گفته شده اکنون باز بدان که عنصر بر دو طبع است یکی در ظاهر دیگری در باطن
و آنچه از گرمی و تری است دلیل کشادگی است و آنچه از سردی و خشکی است دلیل بستگی است چنانچه طبیعت
آتش گرم و خشک گرمی در ظاهر و خشکی در باطن ظاهر وی کشاده و باطن وی بسته آنکه به کشادگی است
بحرکت است و آنکه بسته است لطیف است و همچنین قیاس باد گرم تر است قوی در ظاهر و گرمی در
باطن و مزاج او هر دو کشاده‌اند یعنی ظاهر و باطن و آب سرد تر است و سردی در ظاهر و تر در باطن و نهر
ظاهر بسته گفته‌اند و بعضی باطن او کشاده گفته‌اند و ضد آتش است و خاک سرد و خشک است خشکی در
ظاهر دارد و سردی در باطن و از این هر دو مزاج او دلیل بستگی است در ظاهر و باطن
و این بسیار جا بکار آید

قاعده احکام گفتن و حسب مزاج عناصر بطریق ظاهر و باطن

اگر شخصی سوال کند که فلان کس از ظاهر و باطن از من چه بست بس کشیده بنگرد که سائل از
کدام خانه سے پرسد یعنی اگر ضمیر بخانه سوم رسد از برادر و خواهر و اگر در چهارم رسد از پدر

اعضا ز الود اینخانه آتش سوم است و از درجه با متعلق به خاک است و متعلق به مریخ است

منسوبات خانهٔ چهاردهم بطریق دائره ابجد

اینخانه بمطلوب کلی منسوب است که مطلوب سائل را حاصل شود یا نه و وصال بمطلوب ممکن شود یا نه و محبوب سائل میل باو دارد یا نه و مطلوبه را خواهش عقد با سائل است یا نه چنانچه اگر ۲ باشد میل نکاح دارد و تعداد جماع و حالت آن و جماع بوحشت بود یا با تقرب و سرعت باشد یا دیر وحال کلام کردن و اقرار نمودن به شراکت ۹ و ۱۱ و ۳ گوید و حال حکم در عین وصلت و حالت فرح و ضمیر از اتصال و انفصال و خانه درگاه و خدای عز و علا و پیغمبران علیه السلام معصوم و اولیا و این خانه گواه دوم و ششم و دهم است و بدترین اشکال درینخانه است و بهتر است و اینخانه از حساب درجها خاک است و متعلق باد است و خانه زهره است و مراتب باد و آب و خاک دارد که همگین چهارده میشود و الله اعلم

منسوبات خانهٔ پانزدهم بطریق ابجد

اینخانه متعلق به احوال عالم از خیر و شر است و میزان الرمل است و منسوب به جمیع امور و انتهای امور صلح و مشورت و حالت وصل جماع و طریق او و معلوم کردن نصیب و قسمت و ضمیر سائل و از حیوان چون فیل و شتر و خانهٔ کراما کاتبین و ضمیر کل زائچه و قاضی الرمل و اینخانه گواه سوم و هفتم و یازدهم است و بعضی اینخانه را نا قص انگارند زیرا که اشکال مراتب طاق را در خود راه نمیدهد و این خانهٔ قمر است

منسوبات خانهٔ شانزدهم بطریق دائره ابجد

اینخانه منسوب به سخن گفتن بکسی و عاقبت العاقبت جمیع کارها و جمیع مهمات و حال انتهاء عمر از شراکت ۴ و ۱۶ گوید و عاقبت عمر از ۴ و ۱۴ گوید و از اینخانه حکم ضمیر گوید و شدن و نه شدن کار و آغاز و انجام هر کار و اینخانه گواه چهارم و هشتم و دوازدهم است و خانهٔ فرزند دشمن و معشوق دشمن است و خانهٔ خاک است از درجه با و تعلق

ببیند اگر در خانه خواب نقطه آتش مفرد باشد بگوید که چشم در خود چکنی و اگر نقطه آتش و باد هر دو باشد
بگو خنده ننمائی و متحرک شوی مثل سوار شدن و دیدن دیو و پری و پریدن در هوا بودن یا پرکی
از آنکه نار و هوا تعلق به علو گفته ام پس تفاخات او به روحانیان و مقام اعلی باشد اگر بپرسد که
به چه چیز سوار شوم نظر کند به شکل خانه نهم که در مزاج عناصر کجا تکرار کرده اگر در خانه آب تکرار
کرده باشد حکم بر کشتی کنی و اگر در باد باشد بگوید که بسواری اوسط شوی و اگر نقطه خاک باشد حکم
بر پیادگی کند و آتش مقام بلند است و موی سر از آن بگویند و بعضی از همان شکل که
در خانه نهم باشد این احکام از عنصر همان خانه گویند و دیگر اگر نقطه آبی در آنجا نه باشد بگو آهسته
گریه کرده و نقطه خاک با آب اگر باشد بگو آواز گریان گشته همین طور شنا کردن و در آب و گرداب گشتن
بملک دیگر رفتن و نقل از مقام کردن و خطا کردن و جای سردگان دیدن و سخن گفتن با ایشان
همین نوع همه احکام بطور مثالهای مذکور قیاس کند همه اشکال در هر خانه حسب منسوبات که گفته
شده افتد شوا هد او را ملاحظه کرده جواب بگوید و ببیند که در خانه سوال چه شکل افتاده و تکرار آن و
مزاج وی و عکس وی در کدام خانه است و از قبیل فراق است یا به وصال همه نگاه کرده
و تمام مثلها بجا آورده حکم نماید تا احکام راست آید و منفعل نخورد

قاعده منسوبات اشکال بصورتها که از روی تجربه معلوم شده

بدانکه این قواعد استادان کامل فن اند که از زبان خود بعنایت باطنی باین ضعیف ارشاد
فرموده اند که مال را در روزمره برای زایچه کرده بکار آیند و بیدون انعقد را در اک منسوبات اشکال
زایچه رونق پذیر نمی شود مال را بدل یاد کردن لازم است و با نظر در آ

صورت لحیان و منسوبات او

صورت گل دارد و صورت شمع است و صورت چراغ خوشبو دار روشن باشد و صورت
کوزه است و صورت خنده کردن و صورت چشم گشاده و صورت ریش دراز است و صورت
زیورے که در سر بپوشند و شی که حلقه دار باشد و انگشتری که نگینه دارد و صورت

واگر در پنجم رسد از معشوق و فرزند پس آنجا ظاهر مشکلیکه باشد به بیند که کدام عنصر دارد اگر نقطه آتش باشد
بگوید که ظاهر او کشاده است و بجسب او ظاهرے است در باطن ندارد و اگر نقطه باد باشد بگوید
که ظاهر و باطن او کشاده است یعنی هرچه در ظاهر نماید در باطن هم بایطریق باشد و دوستی ندارد
و اگر نقطه آب باشد بگوید که ظاهر او بسته و باطن او کشاده است یعنی آنچه در ظاهر میگوید از روے
بدی در باطن نمیگوید یعنی در دل نگوید و اگر نقطه خاک باشد بگوید که ظاهر و باطن او یکسان است
یعنی هر دو نوع دشمن است پس بایطریق از عناصر احکام گوید و مثالاً قواعد بگوید

قاعده ادائے و وفائے عهد بطریق نقطه و عناد ظاهر و باطن

اگر کسی سوال کند که شخصی عهدی بند و نگاهدار دیا نه و موافقت بران عهد افتد پس نگاه کند در دل
اگر در خانه عهد نقطه آتش باشد بگوید که از ابتدا ایش اندیشه و عاقبت کار نیک و وفای عهد کند
و اگر نقطه باد بود خود عهد نه بندد و استوار هیچ نباشد و اگر آب را نقطه باشد اول عهد ببندد و
آخر سست نماید و اگر نقطه خاک بود پس درین کار آخر ثابت و مستقیم باشد و خلاف عهد نکند و موافق
راے العمل آرد و حقیقت نقاط دیده حکم نماید

قاعده حقیقت نقاط و طریق احکام او

در حقیقت خود نقطه آتش و باد خارج و علوی باشند و نقطه آب و خاک مطلوب است و تعلق
به سفلی دارند و ازین جهت بیاض را ثابت خوانند ولحیان را خارج همبرین قیاس لون
آتش زرد است که سفیدی بدن زند و باد سرخ است و آب برنگ سفید مطلق است و خاک سیاه
مطلق میباشد و نقطه آتش را مرد متحرک صامت خوانند و نقطه آب را پاک صامت گویند و نقطه
باد را نیز صامت گویند و نقطه خاک را صامت پندارند مثلاً شخص متحرک پاک صامت خوانند
و ... را پاک متحرک گفته اند و این اسرار غرائب است و آثار عجائب اگر عامل برین قانون عمل
کند از جمله چیز مستغنی گردد و این مثال مذکور در جمله مجالس استعمال کند یعنی اگر کسی بپرسد که
احوال آینده من از روز و هفته و ماه و سال چون بگذرد بگوید جواب خواهی دید و آنچه در خواه

صورت این شکل صورت پشت انسان وصورت تخت وتختہ وصورت زمین وصورت سنگ وصورت چادر ولحاف وبالاپوش وغیرہ است وصورت چوراہہ وویرانہ باشد وبازار چارسوق ویران است وصورت تودۂ خاک باشد وصورت مرد قربان است وصورت حویلی ومکان است واگر درخانہ خویش از دائرہ حرف بشنید مجلس خوشی گوید واگر در ہشتم تکرار کند مجلس ماتم گوید

صورت فرح ومنسوبات او

صورت این شکل گرہ چوڑی وآویزہ گوش وکرن پھول از زیور زنان آنچہ کہ بر نصف جسم اعلی بپوشند چون حلقۂ بینی واز آلات مردان صورت این شکل شمشیر با قبضہ جوہر دار باشد وشخصیکہ بینندہ وگویندہ وسرایندہ باشد وصورت ظروف ہمچو عطردان وعاصدان وامثال آن باشد وصورت سازستار ست وصورت گل یاسمن دارد وصورت آن گل ست کہ خروج باشد ونسبت بہ تمام باغ وبوستان دارد وچون بدوم خانۂ طالع زن بشنید بگوید کہ طفل در آغوش خود دارد وحال بوسہ گرفتن ومحبوب را در کنار گرفتن ہم ازین گویند وصورت الائچی ست وصورت لوزو جائفل دارد وعرق گلاب وکیوڑہ ہم ازین گویند وچون از دائرہ حرف بخانۂ خویش بشنید بگوکہ بسم اللہ طفل ودلیل بر نوشتن خط ونامہ است وشادی تولد نیز گویند واین خواندہ شدہ وشادی زنار کردن وتعویذ برائے طفل نویسانیدن دلیل دارد وقند سیاہ برائے جنین وزائیدن طفل خواندہ شدہ واللہ اعلم

صورت عقلہ ومنسوبات او

صورت این شکل گرہ وعقدہ باشد وصورت گل ست وصورت گولی ست وآنچہ کہ در ازار بند می بندند صورت آن چیز ست وصورت آن شخص کہ پیادہ کمر بستہ باشد وبار بر کمر نہادہ است وراہ میرود وصورت زنیکہ بار حمل بستہ است واگر در زائچۂ زن بسیار تکرار کند گوید کہ حمل دارد ومنسوب بدفین ست ونسبت بہ شکم دارد وورم وآماس وپھوڑی ہم ازین

پلک یعنی پٹی کہ زنان زیور سر بندند و صورت عمامہ و گوشوارہ کہ بر سرے بندند و صورت تکمہ و دستار مرد باشد و نشانے کہ بخال خوبصورت باشد و از صورت انسان خوبصورت و غیرہ ناطق باشد اگر درخانۂ اول بود بگو کہ حالت خوب است و اگر درخانۂ سکن خود کہ آنرا طالع گویند افتد بگو کہ چیزے خواندہ و یا چہرہ مینویسے و نامہ و خط نوشتہ و یا بسم اللہ خواندہ شدہ است و سورۂ فاتحہ خواندہ فقط

صورت قبض الداخل و منسوبات او

صورت این شکل سخت روی باشد و صورت بغل انسان است و صورت ہر دلیب باشد و صورت زیور زرے کہ بر آن سکہ زدہ باشد و صورت پارچہ کہ زنبیل و خریطہ باشد و منسوب بہ انسانیکہ بزبان لکنت دارد اگر از دائرہ حرف بخانۂ خود افتد حکم کند کہ بو تند و طعام بخشم و شیرینی تقسیم کردہ و اگر در طالع سائل افتد بگو کہ مالدار ہستی یا طلب مال کنی و گفتگوے جہت مال داری واللہ اعلم

صورت قبض الخارج و منسوبات وے

صورت این شکل کہ ہست صورت نمودن است و گل دادن در چشم باشد و صورت حمام و صورت بدرہ و صورت چاضرور دارد و مرض این مرض از آتشک باشد و صورت حقہ و آب گرم است و در اسباب زیور زن چوڑی کانچ کی قیمت بود و صورت دندان انسان و بہائم باشد و صورت موی سفید و سیاہ است و صورت شی کہ گرم و خشک کردن چیزے باشد و صورت پارچہ سوختہ و جسم سوختہ و سفید شدن جسم از سوختگی باشد و صورت فرج زن است و صورت تراشیدن موی بآب گرم و موی زہار است و صورت چراغ باشد کہ دسان روغن سیاہ ریختہ باشند اگر از دائرہ حرف بخانۂ خویش نشیند حکم کند کہ زنا دارد و بر سینی آید و توکل سفلی نمودہ اند اگر در طالع سائل نشیند بعد بہای دخول فقط

صورت جماعت و منسوبات او

کردن انسان هم ازین حکم کنند و منسوب به کل حیوان غیر ناطق و رعشه بدن و آواز پای و دستک دادن اگر از دائره حرف بخانه خویش آید گوید که کاغذ میراث نوشته است و کاغذ شو نوشته ست و جواب نامه نوشته ست و مرثیه نوشته ست

صورت بیاض و منسوبات او

منسوبات این شکل و صورت این شکل پارچه سفید و جلاجان و کاغذ ارزان ست و پارچه که پوشیده در بدن انسان باشد و صورت دندان و سفیدی جسم باشد و نسبت به شحم و عاج سفید و ماهی آبی بود و بهبه را منسوب کرده اند و صورت کاغذ بود و صورت نوع فروش باشد و هرچه که اشیای سفید رنگ فروشد و روغن فروش و شیر فروش و پارچه فروش و هنر فروش بود و صورت دندان جانور آبی و بسر تعلق ذهن نسبت دارد و صورت برکه و حوض و تالاب بود و صورت شیشه و قاروره است و شکل آئینه و اسباب طهارت باشد و اگر در خانه دوازدهم زایچه بود و برفراموش کردن علم حکم نماید و اتصال کلی هم ازین گویند زیرا که نفاق سعد دارد و زبان گنگ و روندگی تمام هم ازین گویند و صورت جانوریکه آبی باشد ازین حکم کنند و صورت خرمهره و گوهر و بیرم و دندان فیل ست و شحم و مردم ازین نسبت دارد و اگر از دائره حرف بخانه خود آید کاغذ جعلی نوشتن بگوید و عبادت گاه ساختن بگوید و فاتحه دادن دنیا کردن و مجلس کردن و نکاح و صیغه خواندن از همین شکل حکم نماید و الله اعلم بالصواب

صورت نصرة الخارج و منسوبات او

منسوبات این شکل مقام بلندی و گویائی کردن به نقاهت و بینائی و در میدان آتش باشد و منسوب بخدای تعالی عزوجل و بدل انسان و جگر ست و نسبت به اشیا که باشد بهنر خوب خشک کردن اشیا و پختن میوه و بریان نمودن گوشت قورمه باشد و صورت زیور زنان ست مثل تنقه و دهکدهکی و زیور طلائی و صورت اسباب شاهی ست مثل چتر پادشاه و تاج و جواهر بیش قیمت و نسبت بخواب دیدن خانه دولت و تخت پادشاه کاخ و محل امرا و قصر و ایوان شاهی

بگوید زیرا که صورت عقده و گره ست و نسبت به رازهاے پوشیده دارد که شکل بسته است
و صورت چاه تاریک خانه و قبرست و شکل قلوس دارد و صورت ظرف هیچ کاهی باشد و از
انسان مردمان خدمت گار و حیوان خرد باشد و شخصیکه غلام بود و نرد باز و قمار باز باشد و از
تکرار این براے بیمار بد بود و اگر در دهم و یا زدهم خانهٔ در رمل بیمار بود حکم بر مردن بیمار کند و تکرار
این دلیل بستگی کارها باشد و هر دعوی باطل کند و حکم به اتفاق تمام دارد و اگر از دائرهٔ حرف
بخانهٔ خویش آید بگو که فاتحه مرده کرده شده و یا دعاء براے بیمار کرده —

صورت انکیس و منسوبات او ☰

این شکل صورت مرده است و صورت شهر که واژگون باشد و صورت آن شخص که خفته
در جای تاریک باشد و صورت مردی که کوچشم باشد و انسان که بیوقوف و شرم آلوده است
و صورت شکم ست و نسبت به موضع تاریک و گورستان دارد و صورت ظرف آویزه دار
بود و صورت سبوی واژگون باشد و صورت شخصیکه دزد باشد و غائب بود اگر از دائرهٔ حرف
بخانهٔ خویش آید بگوید که کاغذ شراکت و کاغذ فارغ خطی زن شوهر نوشته و صیغهٔ اخوت خوانده و فاتحه
بر طعام کرده و صورت این مرد بی آواز و گنگ هم ست و در طالع سائل عیب بود

صورت حمره و منسوبات او ☰

صورت این شکل پارچه سرخ و بوسیکه آهنگران بدان آتش می افروزند باشد و صورت زیور زرین
که آواز میکند چون چهانجهه و پازیب و امثال آن و صورت طوق و گلوبند هم باشد و صورت ظرف
مسی یا قلعی ست و صورت اسلحه که آواز کند چون لزم و صورت بادبان کشتی ست و نسبت
بگلادان و حماحان و حمامان دارد و منسوب به تماشدن و عشق و بریان نمودن ست و نسبت
بشخص جنگی دارد و صورت لب انسان ست و لب معشوق سرخ رو باشد و قلوس هم از رن
گوید و منسوب به فساد خون و فصد ست و نسبت به مرگ هم دارد و ترس و بیم پیدا کند و از حلیه
انسان به مزاج درشتی و درشت گو بود و صورت گوش انسان و سوراخ بینی هم دارد و گوز

چپیده باشد و شاخ یعنی سینگی بدن چسپیده باشد و صورت پائجامه و صورت انسان که مرده شود باشد ست و نسبت به رقیب مطلق دارد و خانهٔ پنجم و صورت جای بدررو ست و منسوب به ابریشم خام و ناقص باشد و صورت داغ اسپ و موره و گورگابی ست اگر از دائره حرف بخانهٔ خود آید حکم کنند که مرثیه خوانده شود یا فاتحه مرده کرده باشد و نیاز شود و گریه کردن و مولود کردن و عمل سفلی برای عداوت کردن

صورت نقی الخد و منسوبات او

صورت این شکل صورت دندان ست و نسبت بگزیدن دارد و صورت شمشیر جوهردار و با غلاف باشد و صورت خنجر ست و صورت ازار بند ست و صورت بنده که گویائی ندارد و گنگ مطلق باشد چون طوق و نسبت بکودک شیرخواره و عقرب باشد و شخصے که فیلسوف بود و نسبت به ناخن تراشیدن است و صورت خنثیٰ هم گفته اند و منسوب به ناخوانده چشم ست و شکل غله که آنرا جوار گویند و میوه گندیده و داغی باشد و خار درخت کنار ست اگر از دائره حرف بخانهٔ خویش آید گوید که اسم در لوکے نوشته باشد و مادر نام طفل نهایت هست و حاکم حکم بنویسد و خط مرشد نویسد و اگر در زایچه مریض تکرار کند بگوید که دنبل در جسم شده بود و دران نیشتر خورده و آن دنبل به شده و باز عود کرده و باز به خواهد گردید و باز عود خواهد نمود فقط والله اعلم بالصواب

صورت عتبة الداخل و منسوبات او

صورت این شکل آستانه اندرون ست و صورت تسبیح ملا ست و این شکل منسوب به بهار ده معصوم ست و نسبت به پوشاک بادشاه دارد و نیز منسوب به تیاری عروس و داماست و لباس شادی و حالت تجمل و احتشام ازین گویند و حالت شادی و نیز بادشاه و پیرزاده و اوستاد زاده ازین نسبت دارد و این شکل آئینه رمل ست لیس هر چه که طلب باشد ازین حکم کنند و خلوت خانه هم ازین گویند و خلوت کردن با هر کس هم گویند و نیز اگر در خانهٔ این شکل چهارم هم باشد شکل خفای آید خلوت کردن گویند و صورت صندوق قلمی ست

باشد وشغل ومراقبه نمودن وورد دل کلمه خواندن وقرآن خواندن وعرضی بپادشاه نوشتن وبحساب
دائره احصح کاغذ نکاح نوشتن نیز حکم کنند اما ازین قاعده اسم نویسی روزگار نوشتن و نویسانیدن
ازین گویند والله اعلم بالصواب

صورت النصرة الداخل ومنسوبات او

منسوبات این شکل برشوت ستانیدن ووزرات وهرچه پیدا کردن بزرگوار باشد است ومنسوب
به نیابت بادشاه وفرزند آینده است وبادشاه آینده است ونیز بپادشاهی که معزول از حکومت
شده باشد ویجای او دیگر حاکم گشته باشد ومنسوب بپارچه که کسے تحفه فرستد ودر مردم آشنای
قدیم ومحبوب قدیم نسبت دارد ومنسوب به اضافه وروزینه از خزانه بادشاه یافتن باشد وطعام آمدن
از طرف مالک خود نسبت است ونفع ونقصان کارخانه وشفای بیمار را هم نسبت ازین شکل ست
وصورت این پارچه رنگین زرد وسرخی زننده باشد ونیز رنگ طلائی وصورت ماهی باشد وصورت
رنگ لباس هندو ورپیه زن خود وزن معشوق هم ازین گویند ومرگ پدر خود هم ازین نسبت
ست زیرا که از چهارم مالک هشتم باشد اگر در حرف قوت کند یعنی از دائره حرف بسکن خویش باشد
حکم بر کلام آلهی خواندن کند وجوشن کبیر وجوشن صغیر خواندن گوید وحکم بر نامه نوشتن دوستان کند
یا خط دوست حکم کند که می آید وچون در زائچه مریض بود شفا یابد

صورت عتبة الخارج واحکام منسوبات او

صورت این شکل پابوس ست وپای چپ وصورت پا بجای مطلق باشد وصورت چرم قدرت
هم ازین گویند وعمق ارض وهرچیز ازین دریافت کنند وشکل تیغ وبندوق وسوزن وشتر قال ست
ونسبت به چرم دوزد وکفش دوز هم دارد وخار خشک را صورت گفته اند وصورت کباب کرلاهی
وصورت وشنکه وهرچه بریان باشد وصورت پای برهنه وصورت دهلیز بیرون حویلی وصورت کوم
جانور وداغ دادن وصورت داغ جانورست ومنسوب به گویائی بیهوده است وصورت
چشم که سیاه بود وجسم سیاه باشد ومنسوب به زهر خوردن ست وصورت آن جسم که زد وبرید

بوده از منکوحه جماع کردن باشد یا جماع آن وقت کرده است که پیش رمال سائل آمده است
و صندوق مرده را صورت ست و صورت لحد میت ست و صورت دو پچه و پتاره است و
نسبت به نفاق و سمور دارد و اگر از خانه خود بدائره حرف بسکن خود باشد حکم به نوشتن کاغذ القضا
مقدمه دارائی و راضی نامه کند و نیز نوشتن کاغذ نکاح و مقابله نمودن کتاب گوید و هم زائچه
کشیدن و رمل دیدن حکم نماید و قرعه در کار انداختن و تقویم سائل ساختن بگوید والله اعلم

صورت طریق و منسوبات او

صورت این شکل صورت انگشت و صورت نیزه است و هر چیز که دراز باشد و راست باشد
چون رسن و هیزم و امثال آن و نسبت بمزاج انسان دارد در رمل این شکل بهر خانه که
آید مزاج انسان بهمان خانه بگوید و صورت انسان کشیده رو است و منسوب به شاهزاده
است و صورت نهر و دریاے جاری ست و پارچه بافان را منسوب کرده اند و اشربیان
و غله تخم جوار ازین گویند و صورت رشته و سوت است و صورت غربال و زینه چوبی و کمند و
نقب باشد و نسبت به گازر و جاسوس و نداف ست و شخصیکه کاغذ میفروشد و رنگرز
و دوغ فروش و شیر فروش و هر که کار آب میکند و منسوب به ماهی دریا و رگ انسان ست و نسبت
به قلعی و نقره و سیماب و پیچ دارد و حال آب از نیک و بد و آب نوشیدن و باران از آسمان
باریدن هم ازین گوید اگر از دائره حرف بخانه خویش آید حکم بر فارغخطی ترک ملاقات نوشتن و نامه
بقاصد دادن ست و اگر در سوال سفر در زائچه باشد حکم بر نبودن سفر کند

قاعده مجرب در باب غسل کردن

اگر لحیان ☰ از طالع در خانه پنجم تکرار کند و از انجا در نهم مکرر شود بگوید که غسل کرده و پارچه
نو پوشیده و نیز هر شکلیکه از طالع در نهم و پنجم آید همین حکم دارد و اگر لحیان در طالع نشسته در
نهم تکرار کند بگوید که صرف غسل نکرده بلکه سر شوییده و پارچه را تبدیل نکرده و اگر شکل طالع سعد
باشد و در خانهای نحس تکرار کند بگوید که تکیه بالین خود را غلاف نو تبدیل کرده والله اعلم

وحال عاشق از ۱۲۳ گوید فافہا این شکل صورت عصاے چوبدار است کہ آنرا آنسا گویند
وصورت ستون ست ونسبت بہ دوشالہ دارد ونسبت بہ پارچہ عمدہ است کہ امرا پوشند
وپارچہ متبرک ہم ازین گویند ومنسوب بہ خلعت بادشاہی ست اگر در زائچہ یا فتن خلعت
حاصل باشد خلعت بیابد وخوبصورتی دولہا ودولہن وحسن آن کس کہ بعد نکاح در چوکی
آید واین شکل گویائی مطلق بادب باشد وصورت مردی کہ تمیز دارد ونسبت بہ سید ومشائخ
وپیرزادہ وحافظ وزاہد وعابد دارد وشخصے کہ نکاح فقیر و نیاز کردہ ونکاح زن کردہ وخط
خوشی از جانب مطلوب نوشتہ باشد واگر در چارم خانہ رمل آید بگوید کہ پیرزادہ ومرد کہ بزرگ
باشد در خانہ سائل آید واگر از دائرہ حرف بخانہ الخویش آید رقعہ شادے نوشتن حکم کند
واللہ اعلم بالصواب

صورت اجتماع ومنسوبات او

صورت این شکل صندوق وہر چیزے کہ از اندرون خالی باشد وسرپوش داشتہ باشد
است وصورت جنازہ است وصورت جامدانی خریطہ باشد وصورت کشتی باشد
وخوان پوش ست وصورت چوراہہ واحاطہ وپٹارہ وجزدان کتاب باشد ودروازہ
شہر وتالاب ہم ازین گویند وصورت کشتی دریا وجہاز ست وصورت جال وکرتی باشد
وجالی وچارخانہ باشد وصورت حوض وہار گل وکرڑہ پاے ست وصورت پارچہ کہ
ہفت رنگ باشد وصورت گڑیا کہ دختران از ان بازی کنند ونسبت بہ جہت تراش دارد
وزیب محفل وآرایش شادی ہم ازین گویند ومنسوب بہ نکاح کردن وملاقات نمودن
وباہم جفت شدن وبغل گیر شدن باشد وصورت چوبہلہ وقفس است وصورت رکھ وہونج
وعمامہ کی قبل وشتر باشد ومنسوب احوال چشم ویک چشم وجھولہ زدہ است کہ جسم قائم باشد
ودر طعام صورت نان کہ پرت دارد یعنی پراٹھا ومنسوب بہ حیوان آبی را مقید کردن و
کتاب نوشتن وکاغذ نوشتن وقصہ گوئی کردن وجون ود ہفتم آید شریک ومدعی وزن دانشمند

اگر فرح درخانه سوم آید گوید که طفلان بر دروازه بازی کنند وعدد دروازه مکان از تکرار شکل سوم گوید ونیز بالاخانه از خانه سوم گوید اگر در طالع اول جماعت بود ویا در سوم آید اغلب که مکان بالاخانه داشته باشد وخود هم به بالاخانه بماند واگر لحیان درخانه اول وچهارم باشد گوید که آمد ورفت زینه بالاے مکان داری وحالات قطعه جات مکان از جدول دریافت کند که چه خانها منسوب اند از آن حکم کند

احوال مکان از خانه چهارم ۴	بالاخانه از اول وسوم واز [illegible] ۳	بیت الخلا از خانه ہشتم واز دوازدهم ۱۲ ۸	دالان خانه از خانه چهارم ۴
حجرہای یمین ویسار که آنرا کوٹھرے ہا گویند از پنجم وسوم ۵ — ۳	دروازه مکان از خانه سوم ۳	صحن مکان از خانه دہم واز خانه دوم — ۲	باورچی خانه و توشک خانه از خانه دوم وپنجم و دہم
چاه خانه از خانه دوازدهم واز خانه نہم ۱۲ — ۹	سمت مشرق خانه از خانه اول یعنے از جاے طالع	سمت مغرب مکان از خانه ہفتم از جاے طالع	سمت جنوب مکان از خانه چهارم آن جاے طالع
وسمت شمال مکان از خانه دہم	ودالان مشرقی را حجره دست راست وچپ واز دہم دوم اند	دالان جنوبی را حجره یمین ویسار پنجم وچهارم اند چهارم یمین وپنجم یسار	دالان شمالی را راست حجره دہم ست ودست چپ نہم است
دالان غربی را حجره است وچپ ہفتم راست و ہشتم دست چپ	ودالان روبرو از خانه مقابله	وآبادی مکان از سعادت خانه چهارم وشکل خانه مذکور	وبهتری برای سائل وسزاواری از اول وطالع

قاعده درباب طلبیدن کسی سائل را

اگر کسی سوال کند که فلان کس یا فلان زن مرا طلب کند یا نه پس ببیند در زایچه اگر در خانهٔ هفتم شکل سعد داخل باشد و نظرات هم نیک باشد حکم کند که طلب داشته شوی و اگر از هفتم شکل در خانهای امهات تکرار کند کسے پیغام برای طلب این کس آورده شود

قاعده درباب ملاقات شدن با کسی

اگر کسے سوال کند که نزد شخصے میروم از و ملاقات شود یا نه پس رمل کشیده ببیند اگر شکل هفتم در مسکن خویش باشد و یا در خانهٔ دهم باشد البته آن شخص که برای ملاقات او سائل رفتن میخواهد در خانه هست و اگر در سوم و نهم شکل هفتم تکرار کند آن کس در خانه نیست اغلب که در راه با سائل ملاقات شود و علاوه زین ملاقات نشود

قاعده درباب خرید کردن چیزی و انتا را او

اگر کسی از اسب و فیل خرید کردن یا چیزی باشد سوال کند پس نظر کند در آنچه و شکل خانهٔ دوم که کیسه سائل ست و شکل خانهٔ هفتم را ضرب کند اگر نتیجه سعد و داخل بود و ناظر بطالع سائل باشد البته خریدن شود و مبارک بود و اگر نتیجه نحس باشد حصول نکند و دیگر شکل اول با شکل خانهٔ چهارم ضرب کند اگر شکل سعد برآید ماضی آن اشیا نیک بود و شکل هفتم را با دهم ضرب کند اگر سعد شکل باشد مستقبل آن اشیا خوب است اما شرط است که اشکال متولده ضرب هفتم و دهم و غیره آنچه که گفته شده حاضر رمل باشد و اگر حاضر رمل نبوند احکام نکند و اگر از احوال حال طالب دریافت کند باید که از دو شکل آنچه یا نتیجه برآورده حکم کند اگر سعد باشد حکم بر سعادت کند و اگر نحس باشد حکم بر نحوست

قاعده دریافت کردن احوال مکان

برای دریافت حال مکان باید که احوال این از خانهٔ چهارم دریافت کند اگر آنجا شکل سعد باشد حال خانه نیک ست و اگر شکل نحس باشد احوال خانه بد باشد و دروازه مکان از خانهٔ سوم گوید

تشکین عنصر کوچک مع اعداد و خانها

اشکال	۱۱۱۰	۱۱۰۱	۱۰۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

تشکین عنصر بزرگ مع اعداد و خانها

اشکال	۰۰۰۰	۱۰۰۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۱۵	۱۴	۱۹	۱۳	۱۷	۲۰
[illegible]	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

وازقاعده که عناصر استادان این علم عدد هم گویند لازم که آنرا هم ذکر نمایم تا آن را بینند که آتش
آحاد است و باد عشرات است و آب مات است و خاک الوف است و ازان هر یک تشکین
و دائره مقرر کرده اند چنانچه دائره عنصر آتش این ست

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حروف	ط	۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
اعداد	۹	ی	ا	ب	ج	و	ه	و

تشکین عشرات که بعنصر باد تعلق دارد

پس از هر چیز که سوال کنند ازین منسوبات حکم کند و بر سعادت و نحوست اشکال حکم نماید

قاعده موافقت بزن و مرد شود یا نه

درین سوال به بیند در رمل اگر شکل آتش در خانهٔ اول باشد و باد در خانهٔ هفتم موافقت تمام و قران سعد تمام ست و پایداری عمر و باهم محبت پایدار تمام ست و اگر شکل بادی در طالع آید و شکل آتشی در هفتم نشیند همین حکم دارد آنچه که مذکور شده و اگر آب در طالع و خاک در هفتم بود تا هم موافقت میان زن و مرد باشد و قران السعدین ست و اگر در طالع آتش باشد و شکل آب در هفتم قران النحسین ست همه عمر جنگ و جدال باشد و باهم سازگاری و برخورداری نباشد و هرگز موافقت در هر دو نیاید و در هر دو یکی زود بمیرد و اگر در طالع آب و در هفتم آتش باشد هم ضدیت عناصر است و بد است چنانکه در اول مذکور شده همین حکم دارد و اگر در طالع آتش و در هفتم شکل خاکی بود این قران زن و شوهر مساوی باشد و لیکن خیال فرد و زوج دیده حکم نماید اگر فرد آتشی در اول ست و آبی در هفتم پس این قران و سازگاری بد است و هرگز نباشد و اگر باشد بمیرد و اگر یکے آبی و دوم خاکی باشد دال بر بسیار اولاد بود و مرد دوراندیش بود زن در قسمت اوست اگر نقطه شکل اول دارد آن مرد و زن دارد اول زن آن بمیرد و از دیگرے اولاد شود و اگر در طالع مرد شکل آبی باشد و در خانهٔ هفتم شکل خاکی باشد تا هم باهم موافقت گردد که ضدیت عناصر نیست و اگر هر دو وقت یعنی در اول و هفتم شکل یک عنصر که آتشی یا بادی باشد نیز خوب نیست اولاد نشود و از آب و خاک هم حکم است و باید که از ضدیت عناصر هر خانه حکم کند یعنی اگر پرسد کسی که با برادران و خواهران از من موافقت شود پس اول و سوم خانهٔ رمل را ببیند اگر اشکال ضد العناصر نشسته اند چنانچه بالا ذکر رفت که یکجا آتشی و یکجا آبی انداخته و برادران جنگ و جدال و خصومت واقع گردد همین طور از خانه بگوید یعنی اگر از فرزند پرسد خانهٔ پنجم و طالع را ببیند اگر از موافقت پدر پرسد طالع و چهارم را ببیند و دیگر اینکه از تسکین عناصر اشکال را دیده و قت آن انداخته تسکین عنصر دیده حکم نماید و شرح دائرهٔ عنصر کوچک و بزرگ

باشد بسیار در فهم آید انشاء الله

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ط	ی	ا	ب	ج	د	ه	و
اعداد	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

باقی اعداد عشرات الوف ومائت الوف الوف همین طور قیاس نماید ودرین مقدمه اعداد عناصر دائره امح بسیار بکار می اید تسکین این هر چهار دائرهٔ از ضرب عناصر ست چنانچه [illegible] لحیان که عنصر آتش دارد آنرا با دائرهٔ امح ضرب نموده واشکال حصله را تسکین احاد مقرر نموده وحمره [illegible] که نقطهٔ باد دارد آنرا از دائره امح ضرب نموده اشکال متولده را تسکین عشرات مقرر نموده وبیاض [illegible] که نقطه آب دارد آنرا با ضرب امح اشکال نتیجه را تسکین مائت مقرر نموده وانکیس که [illegible] نقطهٔ خاک دارد آنرا با دائره امح ضرب کرده اشکال حاصل شده را تسکین الوف مقرر کرده وچون عقله که نقطه آتش وخاک دارد [illegible] از ضرب آن دائره احاد الوف مقرر نموده زیرا که آتش احاد وخاک الوف است ومثلا ایک تسکین احاد الوف بنویسیم تا این طور از باد وآب وخاک هم پندارند وآن تسکین اینست

	تسکین احاد الوف که بعنصر آتش وخاک متعلق است							
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دائره امح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
اعداد	١٠	٢٠	٣٠	٤٠	٥٠	٦٠	٧٠	٨٠	٩٠
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ق	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف
اعداد	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥		١٦

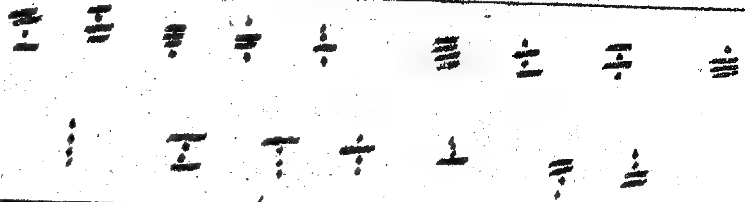
تسکین آتش که بعنصر آب متعلق است

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض
اعداد	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ظ	غ	ق	ر	ش	ت	ث	خ
اعداد	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦

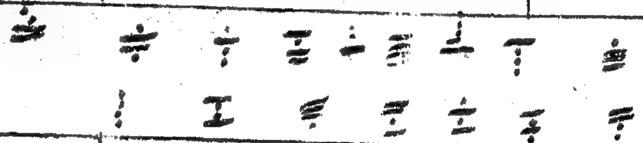
تسکین الوف که بعنصر خاک متعلق است

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
اعداد حرف	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨
اعداد	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨

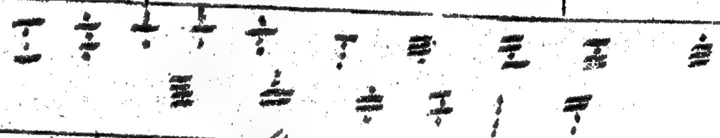
دائره سکن که عمل هندیان بر آنست



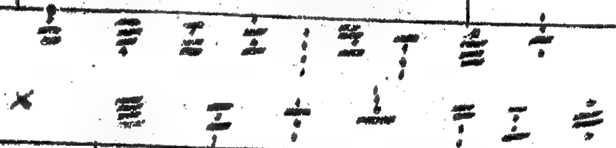
دائره صحیح که مصریان بران عمل کنند



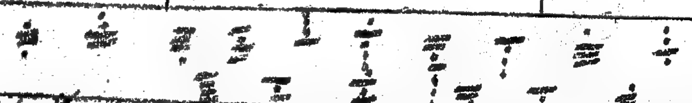
دائره دانیالی که در عمل [illegible] قسمت



دائره زوج که برای عدد گفتن بشاید



دائره عدد که چهار شکل را تغیر کرده اند



دائره حرف که برای نام برآوردن اطفال و نام دزد و آنچه که احکام

حرف اعداد	ص	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
اعداد خانها	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

پس اینقدر طالب را بس بود دیگر تسکین مائت الوف و الوف الوف از ضرب قبض الداخل [illegible] که نقطه
باد و خاک دارد پس عشرات الوف گردد همین طور اعداد را ابجد برآورده جواب گوید و از ضرب
نصرة الداخل با دائره اصح مائت الوف برآرد که نقطه آب و خاک دارد و از ضرب طریق با دائره اصح
الوف الوف را تسکین اعداد ساخته حکم بدرستی نماید تا راست آید و دیگر استادان این فن برای
دوائرها مقرر کرده اند

قاعده در دانستن دائره های رمل که بهر جا ضرور بود

بدانکه درین علم چه که دوائره رمل نداند تا حال هست و استادان بست و پنج هزار دوائر ایراد فرموده اند
فاما درین مختصر گنجایش بیان آن جمله نیست فی الحال آن دائره که رمال را بدون دانستن
آن چاره نیست زیرا که اگر آن نداند حکم نتواند کرد پس آنرا بیان نمایم و آن اینست که چون
بقاعده اشکال حکم کنی دائره سکن و دائره دانیالی و دائره اصح را یاد گیری و ببینی که ازین
دائره ها اشکال مالک کدام خانه اند پس به منسوبات خانها بحساب دانیالی یا سکن یا اصح
هر چه ترا معتبر زیاده شتافته حکم کنی و چون برین یک دائره عمل کنی همراه او دائره مزاج و دائره
حرف و دائره روز و ماه و سال و دائره بروج و دائره عدد و دائره سفر و غیرها آنچه ضرور باشد
یاد کنی و در زائچه نظر کنی که بحساب دائره عدد یا بحرف وغیره چه شکل بسکن خلیش نشسته است پس
اعداد آن شکل یا حرف یا روز و ماه وغیره گرفته حکم نمائی و چون بحساب نقطه خواهی که حکم کنی اولاً
دائره ابجد یاد کنی و برای عدد گفتن آنچه که خرج اعداد عناصر بالا مذکور گشته و مراتب هشتگانه
آتش و باد و آب و خاک یاد کرده و آنچه دوائر که درین طریق ضرور باشند و رونمایند یا چند دوائر
که بطریق اشکال و نقطه بکار آیند یکجا یاد نمایم و می نویسم که بران عمل کنند

[illegible] ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

تسکین سفر که برای حرکت نمودن بکار آید

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]

دائرهٔ روز و ماه و سال که برای مدت است

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اعداد روز	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اعداد روز	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اعداد ماه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اعداد ماه	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

	نوشت و خواند کند برین عمل کند							
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ا ق	ب ص	ج ن	د ر	ہ ش	و ت	ز ث	ح خ
خانہای سکن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حرف	ط ذ	ی ض	ک ظ	ل غ	م	ن	س	ع
خانہای سکن	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
	دائرۂ مزاج کہ برای دریافت روز بکار آید							
اشکال	۰۱۰۱ ۱۱۰۰	۰۰۰۱ ۰۱۰۰	۱۰۰۱ ۱۱۱۱	۱۰۱۱ ۰۰۰۰	۰۱۱۰ ۰۱۱۱	۰۰۱۱ ۱۱۱۰	۰۰۱۰ ۱۱۰۱	۱۰۰۰ ۱۰۱۰
نام روز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	دائرۂ شرف اشکال کہ قوت شکل ازان بینند							

	تسکین حروف کہ حاجی حسن طبسی بران عمل نمود							
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حروف منسوبہ	اق	بص	ج ق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سکن اشکال	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨
حروف سکن دیگرہ	١٢	١١	٥	٦	٣	٤	١٣	١٤
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حروف منسوبہ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ع	[illegible]	ن	[illegible]	[illegible]
سکن اشکال	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦

	تسکین عدد کہ حاجی حسن طبسی بران عمل نمود							
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اعداد اشکال	١	٣	٦	١٠	١٥	٢١	٢٨	٣٦
سکن اشکال	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اعداد اشکال	٤٥	٥٥	٦٦	٧٨	٩١	١٠٥	١٢٠	١٣٦
سکن اشکال	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦

اشکال								
اعداد سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال								
اعداد خانہا	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

اشکال نحوست کہ در احکام ضرور بود اینست

اشکال								
اشکال سکن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال								
سکن اشکال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

اشکال سعادت کہ دانستن آن واجب است

اشکال								
سعد اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال								
سعد اشکال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

آن زیباست رباعی

با حریف هم جنس کم بودن خوش است	در مخالف بیشتر بودن خوش است
در عدد هر دو را یکسان یکے است	هر که سالش خورد آن دشمن خوش است

یعنے هر که اعداد کم باشد همان غالب است دیگر یعنی هر که در عمر کمتر است همان است

قاعده برای دریافت حمل زن که دارد یا نه

اگر سوال کسے کند که فلان زن حمل دارد یا نه اگر اشکال داخل در زایچه بسیار غلبه کنند و اکثر غلبه اشکال آبی باشد بلاشک زن حمل دارد و اگر خانه ششم زایچه خارج بود شکل آبی با عقله ناظر بطالع بود تاهم حمل دارد و خلاصه در احکام حمل اینکه صاحب خانه ششم که عقله است اگر حاضر رمل شد و اشکال داخل در نظرات منظور باشد حکم حمل کند و اگر عقله حاضر رمل نباشد در باطن زایچه تلاش کند و اگر در باطن غلبه باشد و اشکال آبی موجود الرمل باشند و خانه ششم داخل بود اغلب ست که زن بچه در شکم دارد و بعضے حکم بچه داشتن در شکم از فرح [illegible] میگویند یعنی اگر [illegible] در رمل بود حکم بچه کند و اگر [illegible] نباشد [illegible] حاضر باشد حکم بر بسته شدن خون در شکم و اگر هر دو شکل یعنے [illegible] و [illegible] بوند زن بچه دارد و اگر هر دو نبوند زن حمل ندارد و اگر صرف اشکال آبی در رمل بوند خون حیض بند شده است حمل ندارد و اگر دوره اشکال بخانه سعادت باشند آینده حمل ماند والله اعلم بالصواب

قاعده در باب احکام قوت اشکال حرفی

اگر کسے سوال کند که خط در امر فلان نوشته شود این حکم از قوت حرف گوید اگر سوال از آمدن فرمان بادشاه بود از قوت حرفی گوید و فاتحه خواندن و مجلس امام کردن از قوت حرف گوید و گاهی کلام الله خواندن و رقعه نوشتن و بسیار مقدمات از قوت حرفی گوید که بسیار مطابق می افتد و تجربه عظیم از قوت حرفی میباشد و اگر عتبة الداخل در طالع آید و عقله در خانه اول قوت حرفی باشد ضرور گوید که بر سر شما پیر کرم فرماید و فاضل شدن و بسم الله خواندن از قوت حرف گوید و نیز استادان نامور شدن نیز از قوت حرف گویند و حالانکه شکل اجتماع که شکل عطارد است

تشکیل ابجد که برای احکام نقاط بکار می‌آید

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سکن اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سکن اشکال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

و دیگر دوائر مراتب هشتگانه استادان این فن آنچه که نوشته اند اینجا یاد نکردیم زیرا که مدار این علم بیان دوائرهاست ازین سبب در هر کتب مذکور ست فاما طالب را آنچه که دوائر ند کور کردیم بس بود الا لازم و ضرور تر آمده که اینقدر دائره باتمثال ضرور یاد کند فقط و الله اعلم بالصواب

قاعده دریافت غالب و مغلوب

اگر کسی سوال کند که از خصمین کدام غالب شود در قضا یا جنگ یا کشتی پس می باید که اول رمل زند و بعده اعداد اسم هر دو خصمین بحساب ابجد بر آورده شانزدگان طرح دهد آنچه که عدد باقی ماند آنرا بر خانهای رمل قسمت سازد هر جا که منتهی عدد باشد آنجا نظر اندازه کند اگر آنجا شکل طاق است پس نگاه کند که اعداد اسم غالب بر آورده است اگر اعداد اسم غالب طاق اند غالب را غلبه است و اگر اعداد اسم مغلوب طاق ست مغلوب غالب دیگر هر جا که اعداد منتهی شده اند از آنجا حکم کند از قوت و ضعف شکل و اگر اعداد هر دو اسم جفت اند هر که اعداد اسم در شمار کم باشد همان غالب ست و هر که را زیاده

قاعده برای خلاصی محبوس از زندان

اگر کسی سوال کند که فلان کس کدام روز خلاص شود این قاعده هم مثل قاعده غالب و مغلوب است یعنی اعداد روز سوال و نام سائل هر دو جمع کرده شانزدگان طرح دهد اگر طاق ماند زود خلاص شود اگر جفت ماند بدیر تمام خلاص شود درین امر شاعری رباعی تصنیف کرده که برای این قاعده ذکر

و قبض الداخل را با جماعت که مالک چهارم است چون ضرب کردم قبض الداخل حاصل شد همچنین طور تا
آخر شانزده خانه ضرب کرده ز آنچه باطن درست ساختم و نگاه کردم بر سوال سائل پس در خانهٔ چهارم
در ظاهر و باطن هر دو نشسته و مالک خانهٔ چهارم در باطن بطالع نشسته و چون قبض الداخل شکل مال است
و جماعت در طالع است گفتم طالب مال از جانب پدر هستی چرا که مال پدر در خانهٔ نهم نشست و آنجا نشسته
و در خانهٔ ششم موجود است و دیگر اینکه مالک خانهٔ نهم در خانهٔ دوم رفته مال سائل گشته ازین سبب گفتم
که طالب مال پدر داری و ز آنچه باطن در خانهٔ نهم نشسته و در خانهٔ او شکل که شکل طالع است و
خانهٔ یازدهم خانهٔ امید است و مالک آن در نهم رفته مال پدر گشته ازین سبب گفتم که امید از مال پدر داری
و از ملک و زراعت ترا فائده رسد این حکم از آن گفته که شکل آفتاب شکل سعد داخل است و در باطن و
در ظاهر نشست ازین سبب فائده از ملک رسیدن گفته پس همین طور نظرات و اوتاد دیده احکام از
ظاهر و باطن کنند و گوایان رمل را نیز پیدا تا راست آید و بعضی در احکام کردن شکل طالع را با شکل
مقصود ضرب میکنند و شکل متولده را ببینند که نظر دوستی در رمل هست یا نظر دشمنی اگر نظر دوستی ست حکم بر آمدن
مطلب بلا مشقت میکنند و اگر در خانهای ساقط و تربیع آن شکل باشد حکم بر عدم حصول مراد خواهد کرد
و اگر حصول بعد از تردد شود پایدار نباشد زود از دست رود و اگر شکل متولده مذکوره در رمل موجود
نباشد در خانه سکن او نگاه کنند آنجا آنچه که شکل نشسته باشد اگر نظر سعد و بد دوستی ست بهتر است و
اگر نظر نحس دارد بد است و اولی حکم کردن اینست که چون شکل متولده از ضرب طالع و خانهٔ مقصود
در رمل هست مطلب سائل هم هست یعنی اگر شکل عدم است مقصود هم عدم است و در طریق احکام
نمودن و جواب هر سوال گفتن خاصیت اشکال را نگاه دارد آن خاصیت باین طریق یاد کند که در
خاطر آوردن قلیل باشد و دلالت بجمله اشیاء عالم کند و مثلاً خاصیت در یک شکل بطریق جدول
نوشته میشود که خلوصه بجمله منسوبات خانهٔ سوال باشد مثلاً در خانهٔ دوم که خانهٔ
معاش و مال است آن که بهر شکل حکم دارد و جدولش اینست

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

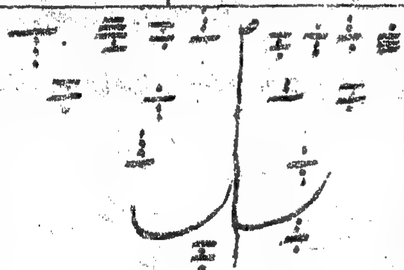
ملوب و پروانه و خطارا باو نسبت کرده اند و منشی و نوشت و خواند و در جمله امور از ستُّه گویند و لیکن اینکه احکام نوشت و خواند از قوت حرفی مطابق افتد از اجتماع راست نمی آید باید کہ این قاعده بدل یاد کند

قاعده مجرب درباب آسیب زده

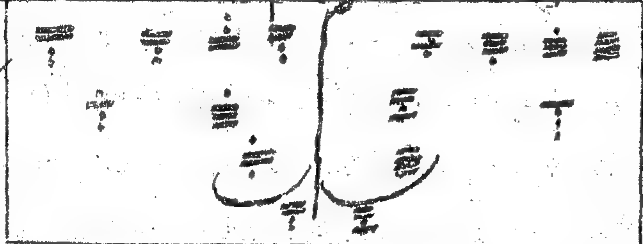
اگر کسے سوال کند کہ فلان مریض بیماری دارد یا مریض را آسیب است بدانکه اگر اجتماع در زائچه بقوت تمام موجود باشد و شکل ششم و ہشتم و یا دوازدهم تکرار کند بلاشک آن مریض را آسیب ست و اگر شکل دوازدهم شکل خانہ ششم زائچه در خانہ دہم زائچه تکرار کند و اجتماع بقوت تمام حاضر رمل باشد بلاشک بعض را ام الصبیان کہ آنرا در ہندی جو گر گویند ہست لا یعلم الغیب الا اللہ هو۔

قاعده در بیان طریق کردن حکم از ہر خانہ رمل در جواب ہر سوال

بدانکه اوستادان کامل فن در ہر سوال از منسوبات خانه نگاه کنند و آنجا ہر شکلے کہ نشسته آنرا با صاحب خانہ آن خانہ ضرب نمایند و از نتیجه آن زائچه باطن یکنند و حکم تمام چنانچه سوال از خانه چهارم یعنی از پدر و مقام بود مارملی کشیدم بصورت اتفاق افتاد پس این زائچه را با مالکان خانه بحساب دائرہ سکن ضرب شود دوم زائچه باطن ساختم بصورت اتفاق افتاد زائچه باطن اینست ۔



در شکل ضرب است که لحیان بخانه اول در زائچه اول نشست و مالک اول ست



پس ضرب کردم او را اجماعت حاصل شد و فرح بخانه دوم است چون با قبض الداخل که مالک خانہ دوم ضرب کردم لحیان حاصل شد و نقی در خانہ سوم ست با قبض الخارج ضرب کردم انکیس حاصل شد

خاصیت اشکال	خانهٔ سکن	اشکال	خاصیت اشکال	خانهٔ سکن	اشکال
رحمت رسیدن	۱ ۶	0111	مراد دشمن	۹ ۶	1110
یافتن مراد و امید	۲ ۶	1010	رسیدن غم	۱۰ ۶	0011
دوستی سخن و مردن خصم	۳ ۶	0101	رسوائی دشمنان	۱۱ ۶	1100
شادی خصم	۴ ۶	1111	خلاصی از رنج	۱۲ ۶	0001
دیدن خواص	۵ ۶	0010	رسیدن زخم	۱۳ ۶	0100
آمدن فرمان	۶ ۶	0110	جمعیت کردن	۱۴ ۶	1000
درینخانه بهتر باشد	۷ ۶	1110	یافتن مراد	۱۵ ۶	1001
بودن رنج و غم	۸ ۶	1011	رسیدن غائب	۱۶ ۶	0000

وخاصیت اشکال درخانهٔ هفتم باین صورت است

خاصیت اشکال	خانهٔ سکن	اشکال
قوت شدن و ازدیاد عمر	۱ ۷	0111
عنایت از بزرگان	۲ ۷	1010
برسیدن دوست و اعتقاد	۳ ۷	0101
رسیدن مال	۴ ۷	1111
رسیدن مال و خبر	۵ ۷	0010
خبر و اندوه	۶ ۷	0110
کارگر کردن	۷ ۷	1110
سخن خوش شنیدن	۸ ۷	1011

خانهٔ سکن	۱ ۴	۲ ۴	۳ ۴	۴ ۴	۵ ۴	۶ ۴	۷ ۴	۸ ۴
خاصیت اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خانهٔ سکن	۹ ۴	۱۰ ۴	۱۱	۱۲ ۴	۱۳ ۴	۱۴ ۴	۱۵ ۴	۱۶ ۴
خاصیت اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

و در خانهٔ پنجم که اشکال خاصیت دارند در هر خانه مثالاً بدین طریق ست ازین جدول ببینید

اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خانهٔ اولاد	۱ ۵	۲ ۵	۳ ۵	۴ ۵	۵ ۵	۶ ۵	۷ ۵	۸ ۵
خاصیت اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خانهٔ اولاد	۹ ۵	۱۰ ۵	۱۱ ۵	۱۲ ۵	۱۳ ۵	۱۴ ۵	۱۵ ۵	۱۶ ۵
خاصیت اشکال	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

و در خانهٔ ششم آنچه که اشکال در هر خانه خاصیت دارند با ینطریق معلوم کنند + + + +

پس همبرین قیاس دوائر علم رمل ومنسوبات اشکال در هرخانه نگاه کرده وبرای هر سوال افتاد وشواید ونواظر را الحوظ خاطر داشته حکم نماید وهیچ دقیقه از دقائق این علم فرو نگذارد تا بهره کامل ازین علم یابد والله اعلم بالصواب

خاتمة الطبع ازجانب علماے مطبع

سپاس بیقیاس مرخداوند بے نیاز را که جلوه قدرت کامله اش درهمه ذرات عالم آشکار ودلائل صلوات زاکیات وتحیات متواترات بر مرقد مطهر سید جمیل انبیاے کرام نثار اما بعد آئینه داران چهرکده عوالم غیوب وشهود وصدر نشینان انجمن کمالات نامحدود را بشارت فیض اشارت باد که درین زمان برکات قران کتاب سعادت مآب مملو از اسرار علم وعمل اعنی مرآت الرمل مصنفه جلوه طراز پیکر لطف عیب علم وخیال حضرت نور محمد رمال در مطبع نامی گرامی منشی نولکشور صاحب سی-آئی-ای واقع لکهنو محله حضرت گنج بماه جولائی ۱۸۹۱ع مطابق ماه ذی الحجه ۱۳۰۸ھ بار سوم طبع گشته رونق افزای مجلس هنر پروران ودستور العمل رمالان جهان گردید

تمت

خاصیت اشکال	خانه ۱	اصح	اشکال	خاصیت اشکال	خانه سکن اصح	اشکال
خواب وخیال	۹	۹	۰۰۱۱	خواب خوش	۹ ۱	۰۱۱۱
آموختن علم هنر فرع	۹	۱۰	۱۱۰۰	خبر خوش آمدن	۹ ۲	۱۰۰۰
پاکی نفس و امین بودن	۹	۱۱	۱۰۱۰	صحبت بازنان	۹ ۳	۰۰۰۱
قوت دشمن و رنج	۹	۱۲	۰۱۰۱	نکوئی و عیش و عمل	۹ ۴	۱۱۱۱
یافتن مراد و امید	۹	۱۳	۱۱۰۱	مراد یافتن	۹ ۵	۰۰۱۰
دوستی طبیب پاک	۹	۱۴	۱۱۱۰	رسیدن خبر	۹ ۶	۱۱۰۱
عنایت از بزرگان	۹	۱۵	۱۰۱۱	جنگ و رنج	۹ ۷	۰۱۰۰
رسیدن مال و کیسه و بهتر بود	۹	۱۶	۰۰۰۰	ترس و بیم و نفس شدن	۹ ۸	۰۱۱۰

دور خانهٔ نهم آنچه که منسوبات اشکال شانزده اند بدین طریق دریافت کنند نیست

خاصیت اشکال	خانه سکن	اشکال
خصم و دشمنان	۷ ۹	۱۱۰۱
رسیدن خبر	۷ ۱۰	۰۰۱۱
سفر و اقبال	۷ ۱۱	۱۱۰۰
غم خوردن و رنج	۷ ۱۲	۰۰۰۱
رسیدن رنج	۷ ۱۳	۰۱۰۰
رسیدن عجائب	۷ ۱۴	۱۰۰۰
جمع شدن بازنان	۷ ۱۵	۱۰۰۱
کار آب کردن	۷ ۱۶	۰۰۰۰

متقدمین اور روایات صحیح القول سے ہو بہو
نقل کیا ہے یہی کتاب اردوی سلیس مین منجانب
مطبع اودھ اخبار ترجمہ ہوکر مکرر شائع ہوئی
واقعی قابل دید ہے۔
معلم السیاست۔ مترجمہ مولوی ابوالحسن صاحب
مطالع العجائب ترجمہ معلومات الآفاق غرایب المخلوقات
کا مذکور مترجمہ مولوی مہدی علی خان۔
ترجمہ مطلع العلوم و مجمع الفنون مترجمہ
منشی زین العابدین خان صاحب مرادآبادی
یہ عمدہ کتاب دو جلدون مین یکجائی ہے یعنے
جلد اول مین فنون مرکبات و مفردات
ضرب الامثال نکات پسندیدہ۔ اقوال حکما
لطائف و ظرائف۔ سیر و تواریخ۔ اخلاق۔
معانی۔ بیان۔ موسیقی۔ کا بیان ہے۔ اور
(۲) جلد مین تمام علوم الٰہیات و فلسفیات
کا ذکر ہے۔
گنجینۂ صنائع و بدائع۔ جامع فنون عقلی
و نقلی بابو ہرلال سنگھ مرحوم نے کارخانون
اور انگریزی کتابون کو معائنہ کرکے ملک
ہند کی بے ہنری و بے علمی کی مضرتین بیان
کرکے اہل ملک کو علوم و فنون کی طرف توجہ
دلائی ہے اس مین چار باب ہین۔ (۱) باب
فوائد علم و ہنر (۲) باب تحصیل علم و ہنر (۳)
باب علم فلسفہ و کل سازی (۴) باب علم طب
اور انگریزی نام انگریزی خط مین اور

سنسکرت الفاظ ناگری مین لکھے ہین کتاب
قابل دید ہے۔
سمجھ کا پھیر مصنفہ مرزا عرفان علی بیگ
ڈپٹی کلکٹر ضلع گونڈہ ملک اودھ اسمین تیح ایبر
عمدہ ٹیکا لگانے کے بطور سوال و جواب
و مکالمہ کے تحریر کیے ہین۔
دائرہ علم حصہ اول۔ چند معلومات مین۔
باغ اعجاز کھواہر بالتصویر بیان اسرار
انگریزی تماشا وغیرہ از منشی جواہر لال صاحب
اسمین بہت سے ہندوستانی و انگریزی تماشے
اور شعبدے مع ترکیب درج ہین۔
حرز سلیمانی۔ یہ نقش آخری ہے اعمال و نقوش
مجرب ہر قسم مین مؤلفہ خواجہ محمد اشرف علی
تحقیقات النسا۔ اسم بامسمی از منشی
کامتا پرشاد۔
مجموعۂ تعبیر نامہ جدید جس مین بیان خواب
اور اسکی تدابیر بالتفصیل مرقوم ہین مصنفہ
یوسفی غیر مطبع۔
مظہر الاعمال۔ عملیات و تعویذات کا ذکر ہے
از مولوی مظہر حسن۔
طلسم عجائب۔ ہر قسم کے نقوش و تسخیرات
و عجائب المخلوقات کا حال مع نقشہ دیوانہ
مولوی احمد علی۔
کلید سخن یعنی شرح انٹرنس کورس
جو فن شاعری و تاریخ گوئی و لغات کی